



سر مقاله: حزب، هسته، رهبری

اصول ۶۰ ۳۰ وصال

در شماره گذشته کارگر کمونیست در شماره صورت تشکیل کارگران و طایفه کارگران کمونیست در این باره به تفصیل سخن گفتیم و مطالبات مشخص کارگران کمونیست را در رابطه با ایجاد شوراهای واقعی تعیین کردیم. نکته تشکیل شوراهای کارگران بر سر این بود که در این مقاله قصد داریم به جنبش کارگران و طایفه سایر طایفه‌ها در ایران کمونیست خود را در شماره قبلی گفتیم که پس جوان تر میسر می‌تواند به سر کارگران سر خود را از گروته در مکان یک برزخ در جامعه سر را به آید و در صورتی که باید که باید در راه کارگر کمونیست در این نظام تحلیلی است که پس حق انسان یعنی حق زنده ماندن - برای کارگران مشروط و ضوابط به سایر انسانیت را این واقعیت تلخ را

نقشه در صفحه ۷

تشکیل مجمع عمومی کارگران در کارخانه را بیک سنت پایدار کارگری تبدیل کنیم

در بحثی که در شماره گذشته در شماره شورای واقعی را تعیین گفتیم که شورای واقعی مجمع عمومی تشکیل کارگران است و از گذشته طرد ایران ایجاد شوراهای واقعی می‌توانیم که بهترین اولین هدف در راه ایجاد این شوراهای تشکیل مجمع عمومی کارگران را در دستور کار خود

نقشه در صفحه ۲

به ناسپت سالگرد قیام پهلوی

سومین سالگرد قیام پهلوی به مناسبت و به مناسبت تمام سخن برای مردم مردم مردم شده ایران مبارزه و جهادی" برای دستیابی به آزادی و رفاه بود. به مناسبت خاطر کارگران و رنجبران انقلابی ایران اکنون دیگر سخن مردمی که تمام به مناسبت سالگرد قیام پهلوی

سوره

مساله زنان مساله کارگران

در صفحه ۱۸ خواهد است

اما جمهور اسلامی سالگرد قیام پهلوی دهه بیست و هفتاد است که صحیح ربطی به سرگذشت آرمانها و اهداف سرخوردگان رنجبران

نقشه در صفحه ۳

برای صفحات دائمی کارگر کمونیست بنویسید

در صفحه آخر خواهد بود

اما جمهور اسلامی سالگرد قیام پهلوی دهه بیست و هفتاد است که صحیح ربطی به سرگذشت آرمانها و اهداف سرخوردگان رنجبران

نقشه در صفحه ۳

در صفحه ۳۵ خواهد بود

کارگران جهان متحد شوید!

بقیه از صفحه اول تشکیل مجمع عمومی ...
بگذرند و بکشند تا در اولین جلسه ممکن
اسامی شورا را به تصویب رسانند و موجودیت
شورا را اعلام کنند.

شاید تا آن زمان که مقدمات برای بنیان
گذاری یک شورا آماده شود مدتی وقت لازم
نیاید. بدون شک باید این زمان با تلاش یکسره
به حداقل رسانده شود و هر چه سریعتر
شوراهای واقعی بوجود آیند. اما بهر حال
نباید اقدام در جهت تشکیل نظم و هر جمع
کاملاً مجمع عمومی را تا زمان فراهم شدن مقدمات
باید گذارد شورا به تأخیر انداخت.

تشکیل مجمع عمومی در بعضی از ناپریک ها
هنوز میسر نبوده است که گاه اتفاق می افتد
مشهود است و در بعضی موارد شوراهای
کتابی کارخانه برای قانونیت دادن میفود آنرا
نرا می خوانند. در جاهایی که مجمع عمومی
تشکیل نمی شود نیز کارگران خاطرههایی در
گذشته نزدیک از آن دارند و مزایای تشکیل
مجمع عمومی را بخوبی درک می کنند. کارگران
کمیست و پیشرو در کلبه ناپریک ها باید بگویند
که مجمع عمومی منطقی و هر بار بر جمعیت تراز قیل
تشکیل شود و اصولاً تشکیل مجمع عمومی بصورت
یک سنت در کارخانه در آید که همگان ناگزیر از
پذیرش آن باشند. باید در تبلیغات شناسی و
کنشی خود کارگران را به تشکیل مجمع عمومی و
شورک نظم در آن فرا بخوانیم و مجمع عمومی را
به عنوان مکانی برای همکاری و تصمیم گیری
در باره مشکلات عمومی کارگران تبلیغ نماییم.

اگر موفق شویم در کارخانه خود مجمع عمومی
کارگران را بطور منظم تشکیل دهیم خواهیم
توانست روحیه مبارزاتی و اعتماد بنفس کارگران
را بسپورت یگانگان باز گردانیم. هرگاه معشناسان
شد کارگری صادر می شود، هرگاه تنبیه و تحریکهای
جدید برای کارگران در نظر گرفته می شود، هر
گاه سلهای جدید توجه کارگران را بخود جلب

می کند، از تک تک آنان بخواهیم که بجای
مخالفت خوانی های انفرادی، بجای احساس
دادن های زیرین و بنجای غرولند کردن های
بمحاصل در نزد همکاران و در مجمع عمومی
کارگران گرد آیند و به بحث و ارائه راه حل
در باره این مسائل بپردازند. کارگران در مجمع
عمومی در خواهند یافت که ناراضی تک تک آنان
تا چه اندازه صمیمت دارد و زمینه برای اتحاد
آنان تا چه اندازه مهیا و آماده است.

با تشکیل مجمع عمومی کارگران خواهیم
توانست به آسانی پرده از روی چهره خائنین به
کارگران برداریم. خواهیم توانست طریقه اران
در ضمن کارگران و با اصطلاح سیستمیس را
رسوا نطایم و بهبه کارگران نشان دهیم که چگونه
این خواهرها که در لباس دفاع از صنایع کارگر
به آنان عیانت می کنند، از کارگران اجتناع
آنان و همکاریشان وحشتزده و مستأصل میشوند.

با تشکیل مجمع عمومی مناسب ترین زمینه برای
رعایت رهبران آگاه و مبارز و پیشرو آماده میشود
و خلافتی از دستگیری ها و اخراج های
رهبران کارگران بر سر تن میگردند. مجمع عمومی
مناسب ترین مکان برای آموزش کارگران و مناسب
ترین سکو برای برپا نمودن تشکیل شوراهای
واقعی و هر نوع سازماندهی کارگران است.

تشکیل مجمع عمومی کارگران را در دستور
کار خود قرار دهیم و بگوئیم تا اجلاس منظم
مجمع عمومی کارگران کارخانه بیک سنت تبدیل
شود. هم اکنون در بسیاری از سندیکا های
کارگران این سنت بوجود استنباط تبلیغات ضعیف
شده خود می توانیم اکثریت کارگران ناپریک حتی
طلب مانده ترین اخصار آنان را برای تشکیل نظم
مجمع عمومی حرکت در آوریم و همه آنان را به
دلائل کافی و محکم برای دفاع از صورت تشکیل
این مجمع تشویق کنیم. مجمع کارگران بسیاری
همگونی و بحث در باره مضامین نشان حق مسلم
آنانست. کارگران را به دفاع و استفاده از این
حق صلحان فرا خوانیم ●

تصمیم گیری درباره اخراج، کاهش ساعات کار و غیره مستقیم کارگران است!

بقیه از صفحه اول بعنايت سالگرد ۰۰۰

مردم در قيام بهمن بهشت . چنين كه انگار
چشم دشمنان و ساللمان قيام بهمن بود . درخشي
سالگرد قيام ارشترزه عرفت كه مردم در قيام
براي فتح يادگانها و اسهام كامل شده باشند
دادند . آري در واقع جمهوري اسلامي در سالگرد
قيام . سالگرد زيودن قدرت در مردم و نفوس
خود را در سرگوشي قيام جشن گرفتند . جمهوري
اسلامي در سالگرد قيام موفقيت هاي خود را در
قلم وضع نبروهائي جشن گرفت كه "حكم جهاد
بنده عباد كرده بوديد!"

اي مردم رحمة بنده ابرار حش هاي بنده
عمر و سمندي شمر آميز بود كه سگ بر رحم
هايشان پاشند . آنها خوب مي دانند كه قيام بهمن
تكت خورد آنها خوب ميدانند كه بايد در انتظار
قيامي ديگر باشند قيامي كه اين بار در نيمه
راه توقف نخواهد كرد و در همان اولين قدمياط
ظلم و جور جمهوري اسلامي را درهم خواهد پيچيد
و سرهاي دشمنان مردم . غاشقين به مردم و خلافت
ان فرزندان مردم را به نائي دار خواهد فرستاد
اگر چه مي دانيم كه اين شماره بشريه ديروز
از بهمن بدستمان مي رسد اما تصميم گرفتيم به
منتهايت سالگرد بهمن شهادي اردش هاي قيام
را مرور كنيم . بهمن خاطر مقاله اي را كه در
بهمن ماه سال گذشته در نشر "طنيه نگاري"
منتشر شده بود . عينا تجديد چاپ مي كنيم

طيه نگاري شماره ۱۵۹
روزهاي بهمن كارگري را به ادامه معارضا
بيروزي نشاني سرا مي خوانند .

روزهاي بهمن را گرامي بندارند! چرا كه بهمن
سالگرد نمايش غرور اميرن مبارزه و قدرت انقلابي
توده ها است . بهمن سالگرد نمايش حيرت انگيز
اينثار وفداكاري زحمتگان محروم ايران در راه
آزادگي هاست . بهمن سالگرد روفاشي است
كه در آن طقه كارگر جوان براي اولين بار
دره اي از طم شيرين بيروزي بگ انقلاب را چيد .

بهمن سالگرد ايمان آوردن توده محروم زحمتگان
ايران به قدرت خود است . اراين روست كه اسال
و هرسال سالگرد قيام بهمن را گرامي مي داريم .
واضح است كه مانعي خواهيم سالگرد قيام
بهمن را به كارگران سيريك بگوئيم چرا كه همه
مي دانيم كه قيام بهمن شكست خورد . هر خواننده
عاشي كه در سالهاي دور اينده پس از انقلاب
ايران را ورق بزند كافي است تا بفهمد كه:
"چس اراين قيام حيويس نارگان نشيت و ريسر
تد و قردسي ابرن كودماجي ۲۸ برده اي ريش بناد
ارشتر گشت . ناسي گمان خود بگويد "اموس
كه قيام بهمن شكست خورد..."

قيام بهمن تكت خورد . اما انقلاب همچنان
ادامه دارد . چرا كه در اين نبرد عظيم حضور
ساله قدرت حل بنده است . ما كمان چيده
خواهيم توانست بي حكومت خود ادامه دهيم و
مكومان هم كه همان مكومان قلمبه بار اورو
مكومت نامه عالي خواهد كرد و بار ميسارزه
انقلابي ادامه خواهد داشت . بنس تا پايان اين
انقلاب . قيام در پي تمام . اعتصاب در پي اعتصاب
كنند و بهمن گنگار به وقت نمت جگ . انتظار هگان
را مي كنند . اما كارگران در ايس صاف بهمن گسي
هر چه بندارند كه ارنس بنده مگور محروم هاي
برديگستان را ! اراقي او ايس بندي . خلاصي از
اين برديگي بردي . اس عارت و بسني و اس
فلاگ و بنديگسي . جيان شرس و گوار است كه
بمورش . چس بخورن . هر كارگري را در اسس
كارزار مي انان به سزارور منداي بدل مي كند
كه صبح و اهناي از مرگ و خون و اس بندارد . مگر
مرگ بندي او بندي فرورده است ؟

اس اريد به رهائي جنان آسي از حضور
انتفاق براي مبارزه بيا مي كند كه آب صيد چاهي
باراي خاموسي اسرماندارد . همه به آزادي و
رهائي ! اين همان چري است كه خنوه هاي بس
را و محاربت را در بيورهاي تمام بهمن به هزاران
كل بندي وجود در هر لحظه از روزهاي بزنكوه

برقرار باد جمهوري انقلابي - دموكراتيك كارگران و زحمتگان ايران!

قیام تجربه گرفته...

چه چیز باعث می‌شد که پیراهنان راجسولی تنگ‌های آماده به آتش شمعان بدریت و هرگاه بزیسه که "برن"؟ چه چیز باعث می‌شدکه بسا پای برونه تنها پانزدهای بزرگین به صفات تنگ ها بروید؟ چه چیز باعث می‌شد که در و بر ساسار گلوله ، بدون ترس از مرگ همزمان رخن شارا تا جاشی امن بردوش کشید...

امید به آزادی و رهائی! امید به رهائی از این زندگی ننگینار که هر لحظه تحملش ، تحمل صد ها بار مرگ است . آری ای کارگران! اوها چنان بشریت! آنچه ما می‌خواهیم هر سالگرد قیام به شما بگوئیم بزرگ نیست . اینست که یک لحظه اجاره شده آن شور و شوق مبارزه ، آن امید به پیروزی ، آن روح ایثار و فداکاری و آن تصویرهای صحنه بزرگین فصل و فصلهای بودگی او ذهن شما دور شود... آنچه در یادگور قیام از شما می‌خواهیم اینست که همچون رویش قیام دهار هرگز راکه آید با ما می‌جوئد ما منت های پر قدرتان فرستد . آنچه ما در سالگرد قیام او شما می‌خواهیم یادآوری آن روحیه سلیم ناپذیری و سلطوری است که خود در روزهای قیام بیادمان دادید... امید به پیروزی ، شور و شوق مبارزه و عشق پایان ناپذیر به آزادی و رهائی لازم پیروزی ماست . کارگران! پیروزی از آن ماست که باید ما بماند که تاریخ صفت ما نگم خواهد کرد . پیروزی او آن ماست که بماند بزیسه! جرمندانمان آرا دهانده رست . دست از مبارزه بردارید ، قیام فراوان خواهیم دید ، بیوت! ناپیبار پیروز شویم .

قیام بهمن شکست خورده است ، چه باک! خود را برای قیام بعدی آجمن آماده می‌کنیم که پیروز شویم . اگر از شکست هایمان درس بگیریم و هرگز هیچ انشاهی را دوبار مرتکب بشویم هر شکستمان پیروزی است .

باشیم امروزه ایم . قیام بهمن ثابت کرد که امید به رهائی ، عشق به رهائی ، مبارزه برای وها - ش . ایثار و فداکاری در راه رهائی ، مبارزه قهرآمیز و شجاعانه برای رهائی همه و همه لایحه اما کاشی نیستند . اینها بدون علم نیستند . شرایط رهائی بدون خود فردی را دوان نمی‌کنند . قیام بهمن تنها قیام در طول تاریخ زندگی طبقه کارگر می‌شود است . این تنها قیامی نبوده است که کارگران و رهنگشان بر روی صحنه آن بوده باشد . طبقه کارگر جهانی دنیا و مدافعان این عین و تجربه کرده است و به درس رهائی را که ما می‌خواستیم از این قیام بیاموزیم . سال های حال است که آموزگاران کثیر پرولسارهای انقلابی آموزش داده اند . همچنان که نلاتن هستگی ناپذیری و عشق پایان ناپذیر یک بسیار رستورای رهائی از بسیاری ، بدون علم بزرگی بجاش راه نمی‌برد نلاتن هستگی ناپذیر و عشق پایان ناپذیر طبقه کارگر نیروی رهائی از بند استعمار ، فقر ، جهل ، جراثیم و... بدون علم شرایط رهائی بدون کمونیسم بجاش نخواهد رسید . اگر این درس را بیاموزید . اگر ضرورت سلیم خود را به علم شرایط رهائی خود - کمون - بسیم - دریابید ، همه آنچه را که باید از قیام آموخته باشید آموخته اید و در این صورت کارگران در قیام بهمن پیروز شده اید! اکنون علم بریم آنچه تمام بهمن هیچ درس به درس های کمونیسم اضافه نگرفته است ، درس رهائی از قیام بهمن را مرور می‌کنیم ...

۱- با قیام بازی کنید!

این عین عطفه "انگلی" است . ما همیشه بازی کنید یعنی اینکه ما همه سنگ سورهان و طرح باران قبل از دست زدن به آن باید شنا اتمام حرکت را پیش بینی کرده مانید . موفق در قیام یعنی شکست! قیام تنها فرصت برای

درس رهائی از قیام بهمن

کارگران! اگر ما از قیام بهمن تنها یک درس را بیاموزیم تمام آنچه را که باید آموخته

پیروزی انقلاب بزرگ
مبارزه همه ضد و متنشکل کارگران است

ایستاد و سفینه کشیدن سمی دهد... باید اریستن بداند که وقتی رادیو تلویزیون را فتح کردید از پشت میکروفن آن چه باید بگوئید... باید از پیش بدانید که وقتی پادگان ها را فتح کردید با آنها چه باید بکنید... باید از پیش بدانید که وقتی در گاوصندوق بانک ها را شکستید محتویاتش چه باید بکنید... باید اریستن فکر همه چیز را بکشد، اما نباید حالت سفاقمی خود را تا به آخر حفظ کند.

۲- تمامی دستگاه سرکوب دشمن باید داغمان شود!

در قیام بیمن شعار "مرگ بر شاه" بود چرا که نوده ها پیروزی بر شاه را عاشی خود فری می گوید ارتش، پلیس و او را که مورد حملات متقدم سوار گرفتند چرا که آنها مستقیما تحت فرماندهی شاه بودند و علما را اذواج می کردند. کمونیسم به ما می خورد که دولت دستگاه سرکوب سازمان یافته یک طبقه است نه یک فرد. یک مرد است و وقتی نماینده طبقه حاکم مانند می تواند حکومت کند، پس شاه یک فرد نبود، فرمانده دستگاهی بود که مقام یک طبقه معین را با ما در کرد و این دستگاه هم نماینده سازمانهای مسلحی محدود نمی شد و نمی شود...

همانطور که در عینم وزارت کار که کردی از قیام به آن بر می رسید همان کاری را از فردای قیام به سعد انجام داد که قبل از آن انجام می داد و شهرداری هم پس از قیام همانطور خانه برد و را میسوزان. چرا که کرد که قبل از آن است ما بانک لایحه طرحی که در وهله اول ما در کشور گرفته شد را باید خود را با آن تمام کنیم ما نه آخر اما با ما مانده که کنیم تا به اریستن فکر همه چیز را بکنیم و بدانیم که چه ضرباتی آن خواهیم گذاشت.

۳- رهبری پیروان را بر سر پیروی است
گاهی است بگوئید رهبری مقام در دست

طبقه کارگر نبود تا علت شکست او را گفته باشد! هیچ فتنی از سرمایه داران در عصر ما انقلابی نیست، همه قشرهای سرمایه در سرکوب کارگران و در حفظ مائین حکومتشان متعهدند. امیراها او را هر که گفته ایم... از خود پیروزی هم جز اریستن و ترس و فرمان که حرارت کند خدو ح و مرج اطلبی چیزی نباید انتظار داشت. تنها طبقه کارگر می تواند و باید بگفتیم پیروزی است. رهبری کند هیچ پیروی دیگری تا به خط نخواهد آمد.

در قیام بیمن "رهبران" آشکارا در مقابل مردم تزار گرفته بودند، حتی لعل را قیام هم اینچنین بود. حتی روزهای تا سوزا و عاشورا را بخاطر دارند. حتی یادمان هست که فرزند کاروان پشت پرده "رهبران" با اعتماد به توانایی رسیده بودند و ارتش کیلومترها عقب نشسته بود یادمان هست که سازمان دهستان راهپیمایی چگونه از نزدیک شدن مردم به معبد رهائش در میدان انقلاب جلوگیری می کرد. اما آن که شعار "کومرگ بر شاه" می دادند چگونه به ساد سخن گفتند می گزینند.

این "رهبران" از ابتدا بعد مهار کردن حرکت های انقلابی مردم را در پیش و حرکت خود را از آنجا که می گزینند انتخاب کرده بودند. تازه اما با ما می گزینند انتخاب کنند! وقتی بدانند از سر بردن و با هر ماسی نوریدمان خلق را از سر گرفته می شود اما آن می گزینند فرار کنند! هر قدر وقتی مردم کاری را می کردند آنها تا گریه میام می دادند که بکنند! اما از روز قیام بطور متعجب فرانس به صورت بکنند در آمد.

به یادمان است جمله که "من فرمان جهاد دادم" به مبارزات ها می گزیند تا با جهات پلیس و ارتش را به استیصال بکنند. "رئیس ما پیوسته است" سیرا را می گزیند روی دیوارها شعار می بیند "اصحاب

مرگ بر سرمایه و امپریالیسم!

گنبد، "اعراض نگیند"، "نخس نگیند"،
 "خودشان خاکه نگیند" ... "انقلاب نگیند"!

زمنگنان بدانند که چر نعت زهری طبقه
 کارگریمه پیروزی خواهند رسید، پس ندیده این
 ند به آن شده بدین مندر، بنده خوب جمعیوری
 انقلابی، نه به محسار و غیره دل نمیند.

آه به حرف ماور نگیند! برای وعدهها برای
 اجرائ خواست هایمان نشین بجوایند.

همیشه ممکن و محتمل است که در یک مبارزه
 انقلابی کارگران سوادیه رهبری را بدست گیرند
 آنچه ما گفتمیم به این معناست که کارگران در
 این مبارزات شرکت نکنند. کارگران باید
 بدانند که هیچ رهبری که بخواهد به پیروی خود
 ها ننگیند کند نمی تواند از پیروی آنها صرف نظر
 کند یا برای این در هر مبارزه انقلابی توده های کار-
 گران بشن موثر و تعیین کننده ای خواهد داشت.
 لازم است که کارگران در جهت تعیین و تثبیت آنچه
 در این مبارزات باید جهت آنها بنشیند، بکوشند.
 وعده و وعده هیچکس را باور نکنند ... در همه
 حال آنها باید نه هدف مستقل خود، نه سازمان
 خود و نه قدرت خود مکی باشد هر رهبری که
 بخواهد از پیروی کارگران در پیروی سواروه
 استفاده کند باید وجود هدف مستقل کارگران
 و رهبری رهبران کارگران را بشناسد. این از
 تعیینی است که ما کارگران درنده و زودمدسر
 چیده و به خواستهای از رهبران و سردهای غیر
 کارگری می خواهیم.

به هیچ رهبری رایحه عرض بر ما سواروه هیچ
 مری بزرگی نگیند.

این درس را همه قاعده مایه فرا گرفته باشند
 هیچ اساسی بدون انشاء و نظا رشدی نمی کنند
 هر رهبری می تواند بیک رهبر عاقل تبدیل شود.
 رهبران مایه هینه رهبر گروه های استنادی و
 پرولتری باشند. رهبران مایه هینه جوتهای بخواه-
 مند که از آنها دانشا استفاد نمودم نظا هسای
 آنها بیرونه کردند. رهبری که نخواهد همیشه را
 به عرض بکنند کسی است که خواستار دوام شخص
 استن است و نیامت رهبری را ندارد. رهبران
 را میسرود انشاء کردن تصحیح نمید و اکثر می نمود
 قبل از اینکه خای پایانی را محکم کنند بر سر
 بکنند.

۴- استقلال پرولترها را برای وحدت طبقه
 بکنند.

مور به استقلال همه پرولترها! این چیزی
 است که فری ما باید فراموش نگیند. هیچ کس
 اجازه ندهد که بخاطر طبقه (۱) جسم بوئسی
 کارگران را از اهداف و هدف مستقل خود موعظه
 کند. دیگر اجازه ندهد که بخاطر طبقه (۱)
 سارا و ادار به ساری باستان ساعت دهان
 کند. دیگر اجازه ندهد که بخاطر مسامح ملی
 (۱) و ملوکبهری از سروردهای درون طبقه (۱) آنها
 را از حک برای رهائی خود سارداردند. طبقه

کده در ۲۷

طبقه کارگر
 تنها به نیروی خود آزاد میشود

به تحت هیچ شرایطی به خلق خود رها-
 یب ندهند!

بورژوازی مسلح است ما هم باید مسلح باشیم
 هر کس از بوده ها و مخصوص از کارگران بخواهد
 که طبقه را زمین بگذارد یا خلق سلاج نوسند
 خواهان ننگ آنها است. کارگران سجاد صورت
 بدپوش ننگت ممکن است به خلق سلاج رعایت دهند.
 جمهوری انقلابی بکرویه این سجاهند
 ننگ های عمیق و عمیقی بدست مردم استفاده و
 خطرناک است. بکرویه به این سجاهند که ننگ

مبارزه، ام از خود بخودی و با آگاهانه و متشکل به عده نسبتاً محدود از افراد که صلاً نقش رهبری را بعهده دارند مواجهیم. تأثیر این رهبران بر سست و سوی مبارزه به درجهای است که حتی در بسیاری موارد می تواند تأثیر سطح سوسی آگاهی توده ها (رهبران) را تحت الشعاع قرار دهد.

با این حساب کمونیست ها که خواهان پیشبرد مبارزه طبقاتی کارگران و پیروزی قطعی آنان در نبرد طبقاتی هستند علاوه بر ارتقاء سطح سوسی آگاهی کارگران و علاوه بر سازماندهی توده کارگران در سازمانهای کارگری و طبقاتی مهم و ویژه ای نیز در رابطه با "رهبری" و "رهبران" طبقه بر عهده دارند. قبل از اینکه به ذکر وظائف کارگران کمونیست در این باره بپردازیم لازم است بدو آنگی راجع به "رهبری" و "رهبران" طبقه صحبت کنیم.

گتیم که ضرورت رهبری شدن، حرکات گروهی و دسته جمعی خود را به همه حرکات اینجمنی تحمیل می کند. خواه این حرکات دسته جمعی حرکت یک انکتب گوهلیری باشد یا حرکت یک تیم فوتبال و خواه حرکت گروه امداد به سبل زنگان و زلزله زدگان، یا هر حرکت دیگر. حرکات جمعی و سازمانی کارگران نیز از این قاعده مستثنی نیست و همانطور که تاکنون شاهد بوده اید و اشاره کردیم مبارزه خود بخودی و بدون نقش کارگران نیز صلاً تحت رهبری عده معدودی از آنها قرار می گیرد...

لازم است تأکید کنیم که "رهبران صلی" الزماً همان کارگران فعال و با سیاسی گسار نیستند. "رهبران صلی" کارگرانی هستند که واقعا و صلاً توده ها را بدنیال خود می گشایند و توده کارگران دنباله رو آنانند. کارگران در مقابل رهبرانشان عموماً واکنش های مشابهی دارند... آنها به رهبران خود احتیاج میکنند. به آنان متکی می شوند. تا حدود زیادی بی

بقیه از صفحه اول حزب - صفحه ۰۰۰
کارگران در لحظه به لحظه صبر خود و با گوشت و پوست خود لمس می کنند...
گتیم که خود مبارزه به کارگران می آموزد که مبارزه فردی راه بحالی نمی برد و برای حتی یک قدم جلو رفتن "باید متحد شد" و گتیم که آگاهی طبقاتی و علم مبارزه می آموزد که بسیاری پیروزی در مبارزه و حذف دستاوردهای آن که واقعا مورد تهدید دشمنان طبقاتی است "کارگران باید متشکل شوند" و علاوه بر آن آنان باید آرایش آماده باش دائم خود را در صحنه مبارزه ای که با آن زاده می شوند، حفظ کنند و "متشکل بمانند".

ما خواهان آنیم و به این منظور تلاش می کنیم که کارگران در هر حالی که هستند، در کارخانه در کارگاه، در موزه و در هر محله و گروهی بوزنی متشکل باشند و مبارزه خود را بطور متشکل و همچون تنی واحد به پیش برند.
اما بجز آگاهی سوسی توده های کارگر و غیر از درجه تشکل آنان، عامل دیگری هم وجود دارد که در تحمیل سرنوشت مبارزات کارگران در هر سطحی، نقش موثر و تعیین کننده ای ایفا می کند و آن عامل "رهبری" است. رهبری فاطمی است که در هر نوع حرکت دسته جمعی انسانها لازم است. حتی اگرستری از نوازندگان هم که همه اعضا آن در آنچه که باید بتوانند تخیسار دارند، برای هماهنگی در اجرای دسته جمعی نیاز به رهبری دارند. نیاز به رهبری در حرکت دسته جمعی آنقدر بدیهی است که حتی در مبارزات غیر متشکل و خود بخودی نیز صلاً نقش رهبری به عهده افراد معینی قرار می گیرد که اکثریت را بدنیال خود می گشایند و خلا از جانب اکثریت بمثابة رهبر بد برتنه می شوند. در همه انواع تشکلات نیز طی القاعده ارگانی برای "رهبر" و مکان های معینی برای "رهبران" در نظر گرفته می شود. بنابراین در همه سطوح و اشکال

پیش بسوی تشکیل حزب کمونیست ایران!

کردن در امر مربوط به خود باشد از گازگرمان
نیازند تحریک نیست. . . غرض آنکه تا کید کم
که طویم تلاش همشگی ما در جهت تعال کردن
هر چه بیشتر تودمهای کارگر نویی ما در این
کار مدت های مدید بطول خواهد انجامید و
برخورد عموماً منفعلانه و در ناهک روانه کارگرمان
نیست به رهبرانشان مدتیه همچنان ارامه
خواهد داشت.

حال بد نیست که نگاهی به خصائص
مشترک رهبران عظمی کارگرمان بماندازیم. امین
رهبران چه کسانی هستند و چه ویژگی هائسی
دارند ؟

تجربه نشان می دهد که رهبران عظمی
کارگرمان یعنی آن معدود کارگرمان ممتازی که
توده کارگرمان از آنان تبعیت و دنباله روی
می کند کسانی هستند که نه بخاطر نفوس
آرمانها و مطالبه و نظرات و ذهنیاتشان بلکه
بخاطر شخصیت اجتنابی واقعیشان و آندسته
از خصوصیات شان که به "تجربه" در می آید
مؤثر است بر توده کارگرمان قرار می گیرند. شفاقت
تودتها از رهبران گناغنی تجربی است و نقد
آنها از رهبران حرفه ای است یعنی هر تجربه و
پراگماتیستی است. این خصوصیات مشهور و عملاً
باید رهبران است که مورد توجه و طلاق تفسیر
می گردد. مثلاً می توان از این خصوصیات نام برد:
- رهبران عظمی همگیشان کسانی هستند که

مورد داوطلب پذیرش این مسئولیت اند و آنرا
در عین اثبات کرده اند. به یک معنی همه آنها
"مسئولیت پذیر و معاند" و نه کارگرمان پشیمان
دارند که حاضرند بخاطر آنان خود را حتی
"به درد سر بیاندازند". کسانی هستند که
زندگی و مبارزیشان در میان همان مسنده
از کارگرمان برایشان "تفاوته" احترام" ایجاد
کرده است. کارگرمان براسطه های که استغوان

رهبران خود توکل می کنند . . . تا حدود
زیادی آنان را سباز می دانند که از جانبشان
تصمیم بگیرند و اظهار نظر کنند. فی المثل به
آسانی قبول می کنند که رهبران بجای آنها
بخاکری را با کارفرمایان به پیش برند و حتی
از جانب آنان تصدیق می پذیرند. جملاتی نظیر
"هر چه نمانی بگوئی می گویم" "نمانی بگوید
حرفی نمی زند" "خود حق لایه بیشتر می داند"
و امثالهم از زبان کارگرمان در باره رهبران
بسیار شنیده می شود. کارگرمان عموماً خود استقلال
تصمیم نمی گیرند بلکه بین تصمیمات رهبران یکی
را انتخاب می کنند. نسبت کارگرمان از رهبران
تا حدود زیادی منفعلانه است چرا که رهبر
برای کارگرمان تا حدودی معنای "سیر بلا" هم
می دهد. دنباله روی یا سبزی از رهبران تا
حدودی به خاطر قرار گرفتن در مکان "لین تسر"
اند صورت می گیرد . . .

آری تقریباً در همه جا رفتار توده کارگرمان
نسبت به رهبران تا حدود زیادی منفعلانه و
دنباله روانه است. نفرو محدودیت و بی حقوقی و
قرار گرفتن در تحت زور و در جامعه همپوش
بر درگان در عصر برده داری و معروضیت از آزادی
و بردن و حوازم اگر مشتت مار خرد کننده از
اولین حالت های کودکی بخصوص وقتی نسل پشت
نسل ادامه یافته باشد. اینچنین بوده ریگسی
بجای می گذارد که خلاصی کامل از آن شاید تا
سابقها پس از انقلاب سوسیالیسم هم ممکن
نیباشد. چند سال پس از انقلاب اکثر نیرو
بشرفی ها از این واقعیت می نالیدند که هنوز
نتوانستند روحیه برخورد تعال و مخالفت
خیز و بیگانه در رهبری امور جامعه را در شک
تک کارگرمان بوجود آورند. این روحیه منفعلانه
و توکل مضانه نسبت به امر رهبری پیشه در تاریخ
زندگی کارگرمان دارد و آنرا هرگز اینچنین در

میان بورژواها نسبت به رهبرانشان و اشتراک متوسط
جامعه نسبت به رهبرانشان نخواهد یافت. در
میان آنان هرگز داوطلبین به عهده گرفتن رهبری
اینقدر محدود و نادر نیستند. هیچ فکسر
دیگری از جامعه برای بحرکت در آمدن و دخالت

بوفامه

اتحاد مبارزان کمونیست را بخوانید.

هستند که . . .

خلاصه اینکه رهبر برای کارگران یک شخصیت واقعی است که خصوصیات او را به تجربه شناخته اند و به او دل بستند و اعتماد کرده اند .

جمعیتی آنچه که تاکنون گفتم چنین خواهد شد .
۱- توده کارگران از رهبران عقلی و مورد اعتماد و شناخت خود با درجه زیادی از توکل ، تعصب و دنباله روی می کند .

۲- مملکت خوبی بودن پیوسته شناخت و انتخاب از جانب کارگران ، رهبری عقلی و حاصلی محلی دارد و کارگران هر دایره یک پست و محله ای ، در دوره اول به هدای از همان خود بعنوان رهبر اعتماد پیدا می کند و از کسانی که خودی محسوب می شوند دنباله روی می نماید .

۳- قرار گرفتن در مقام رهبری سازماندهی انبساط و حدود خصائل و ویژگی های است . اگر چه این خصائل اکتسابی اند و هر کس می تواند آنها را داشته باشد لکن امر از رهبری مستلزم شناخته شدن عقلی این خصوصیات از سوی کارگران ، یعنی مستلزم گذشت زمان است .

با این حساب و با توجه به آنچه که پیش شرحیم ، ما چه بخواهیم و چه نخواهیم همیشه عملاً با طبقه کارگری مواجه هستیم که هر بخش کوچکی از آن بدنهای رهبران عقلی و شناخته شده خود حرکت می کند و در هر مقطع بعد از این قشر ساز از کارگران ، محدود و معین است و جایگزین کردن آنها توسط رهبران دیگر پیوسته ای است که بکندی انجام می گیرد و مستلزم زمان و استعرا خواهد بود .

اما این واقعه که عموم بخش های مختلف و پراکنده طبقه کارگر رهبران عقلی خود را دارند به این معنا نیست که بدست هم هدایت می شود همان طور که اشاره شد مجوز بودن رهبران به آگاهی طبقاتی و علم مبارزه تنهایی از جمله ای است که در برگزیده شدن آنان از جانب توده ها می تواند مؤثر باشد . لذا شاهد بودیم که

خود کرده اند ، باصرف زندگی کرده اند ، تن به خدمت نداده اند ، مجیز گو نبوده اند و . . . کسانی هستند که هم در دوره آراض و هم در اوج مبارزه همیشه بدایع حق کارگران بوده اند . کسانی هستند که قادرند مقصود ، منظور و خواست کارگران را شست و رفته بیان کنند ، معمولاً بهتر از دیگران حرف می زنند ، موقفاً آزمونهای خوبی هستند ، و حرف دل کارگران را بهتر از خودشان بیان می کنند . . .

کسانی هستند که عدالت ، مساوات ، شجاعت ، از خود گذشته گی ، صداکاری و بلکنری شایسته برای کارگران تجربه شده است . کسانی هستند که نسبت به کارگران از شعور احتیاطی بالا سری برخوردارند ، می دانند که با عدو ، با نماینده دولت ، با کارگران و خلاصه ، با هر کس جنگوسته باید رفتار کرد . برای کارگران سهل و سبک ، حسابگر بودن ، تجربه داشتن و درازد پیش بودن هستند . . . بهمین خاطر است که کارگران حواس و آشی مزاج طایفه آنکه با سغان خود مورد توجه و تأیید کارگران قرار می گیرند ، بعنوان یک رقیب برای رهبری ، باید اشاره این رهبران از چشم کارگران می افتند . . .

کسانی هستند که بفوق شعور و دروسین سلیک و نوظیف اند ! یعنی راحتی نظم هیچ نمی شود ، جاه طلب نیستند ، اداه ندارند و روی دوستیشان می شود حساسه کرد . کسانی هستند که هست و نیستشان برای کارگران شناخته شده است ، کارگران می دانند که آنها واقعا کارگرند و از ادایه کارگری و ماندن در میان آنها و شرکت در سرموششان گریزی ندارند . . . بهمین خاطر است که توده کارگران به کارگران تحصیل کرده ، به کسانی که شایع است وضع مالی جانودیشان خوب است با می الضل دانشجو بوده اند ، از این نظر که به ادایه کاریشان اطمان ندارند به دیده شک و تردید می نگرد و چندان به آنها توکل نمی کند . کسانی

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

رهبران محلی و واقعی کارگران بعضاً در صورت نبودن سازمان سازشکار بودند، حد متعارف بود و از کار در آمدنند، سازمان کارگران را به همراه کتابخانه، دریا صنعت فونت بعضی از طبقه را به زبان پیش‌های دیگر تحصیل کرده‌اند و غیره همه آنها آنگاه توده‌ها را از دست ندادند.

در مقابل این واقعیت، واقعیت دیگری هم وجود دارد و آن اینست که این نظام سرمایه داری است که صداهای گلیه و شقاوت و محرومیت‌ها و ستمی است که گوی کارگران را می‌نشارد و اگر مبارزات پراکنده کارگران به جبهه‌ای سراسری و متحد بر طبقه کثرت نظام سرمایه‌داری تبدیل نشود و اگر کارگران در هر مبارزه محلی و موضعی نیز که بغلط‌تره‌هایی از مشکلاتشان انعام می‌گیرد، اهداف استراتژیک کل طبقه را مد نظر نداشته باشند و از موضع کل طبقه حرکت نکنند، بی‌گمان برحتمت‌ترین پیروزی‌های موضعی آنان نسیسم و وقتیتی موقت را در گذر خواهد بود. با در نظر گرفتن اهمیت و نقش رهبران محلی در چند جهت و سوی حرکات مبارزاتی کارگران به این نتیجه می‌رسیم که ضروری است که رهبران محلی کارگران به نظم مبارزه طبقاتی و اهداف تاریخی طبقه آگاه باشند.

اما آگاهی آید می‌تواند به تنهایی کافی نیست. رهبری آنان در کلیه بخش‌ها و مناطق باید هماهنگ و مخلوط به دستیابی به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت طبقه باشد و حرکت آنان بر این صاف هر چه بیشتر باید تعمیم شود. بنابراین رهبران طبقه باید آگاه و متشکل باشند تا بتوانند سازمان محلی و موضعی کارگران را هم بعنوان مبارزاتی خاص و هم به شایه حزبی از یک مبارزه عام و سراسری طبقه‌ای واحد، با اهداف استراتژیک واحد به بهترین نحو و صحیح ترین شکل رهبری نمایند. در واقع رهبری کردن کل طبقه در مبارزه طبقه کل نظام سرمایه‌داری، نه از جمع رهبران بلکه از عهده سازمان رهبران بر می‌آید. لذا کونیست‌ها وظایف سازماندهی ویژه و بسیار پراهمیتی

در رابطه با سازماندهی رهبران آگاه و مبارز طبقه بر صحنه دارند.

حزب کونیست سازمان رهبران آگاه و مبارز طبقه است. حزب نه تنها به طایفه سازمان رهبری کننده و رهبران گلیه مبارزات محلی را بعنوان اجزائی از یک جبهه سراسری به پیش می‌برد بلکه گلیه و جبهه مبارزه طبقاتی بیولتاریا هم از مبارزه اقتصادی، ایدئولوژیک و سیاسی را به پیش خواهد برد و رهبری خواهد کرد.

توده‌های کارگران دنیا هم رهبران محلی همسرده هستند و آن حسی که آگاهی رهبران محلی کارگران را سازمان داده و به تنی واحد تبدیل کرده است، با توده کارگران و با کل طبقه پیوندی ناگسستی خواهد داشت. آنزمان که حزب طبقه کارگر بخش اعظم رهبران محلی طبقه را آگاه و در عود متشکل کرده باشد نیروی محاسسی بر عروس است که اگر اراده کند خواهد توانست اکثریت رهبران جامعه را به اعتبار حرکت سراسری و سازمان یافته کارگران در جهت ایجاد نظام گنبدیده و جمع سرمایه‌داری - بحرکت بین‌المللی و حزب کونیست سازمان کارگران است. کارگران صحر و آگاه نسیم سرمایه‌داری. - زنده باد حزب کونیست!

امروز در آستانه تأسیس حزب کونیست ایران قرار گرفته‌ایم. به این مبارزه پیگیر کونیست‌ها و به حرکت سر بر توان انقلاب ایران بسیاری از جوانان ایحاد حزب از سر راه برداشته شده‌اند، ماهیت ضد کارگری بسیاری از نیروهای در ظاهر طرفدار طبقه کارگر بر ملا شده است، هواداری بسیاری از گروه‌های باصلاح چپ از جناح‌های مختلف بودیوازی آشکار شده است، ورتکستگی بسیاری از گروه‌های متزلزل آنان را از صحنه مبارزه کارگران به نگاری رانده است. توفان انقلاب همه پرچم‌های دروغین را بگالاک انداخته و اکنون در اردوگاه کارگران تنها پرچم مارکسیسم - لنینیسم در اهتزاز است و چه‌بیه نگاهدارندگان آن بیش از هر زمان دیگر آشکار و برجسته شده است. جنبش کونیستی ایران موفق شده است اهداف طبقه کارگر ایران در انقلاب

حاضر را بصراحت و وضوح در نماز با همه نیروهای انقلابی متعلق به افشار دیگر جامعه در قالب یک برنامه حزبی و پرولتری نیروی اعلام نماید. اکنون بخش قابل توجهی از عناصر پیگیر جنبش کمونیستی به زیر پرچم این برنامه گرد آمده‌اند. جنبش کمونیستی ایران نشان رهبران لکری، ایدئولوگ‌ها، سازماندهاها خود را یافته است. ادامه انقلاب در کردستان، قهرمان و ستاردهای گرانمایی در زمینه سازماندهی و رهبری مبارزات نودهای و پیشرفته‌ترین اشکال مبارزه، نصیب جنبش کمونیستی ایران کرده است. مبارزه با انحرافات، کمونیست‌ها را آسوده و ادبیات کمونیستی را ضعیف ساخته است. در زمینه تئوری تشکیلات پرولتری و سازمان حزبی در مقابله با شکل رایج کار سازمانی پرولستی و غیر پرولتری دستاوردهای گرانمایی عاید شده است. مسائل مربوط به حزب و طبقه، سالها پیوند با طبقه، اشکال تشکیلات نودهای و رابطه حزب با آنها تا حدود زیادی روشن شده است.

تا حزب راهی نمانده است. وحدت تشکیلاتی نیروهای طرفدار یک برنامه کمونیستی در قالب یک حزب و همچنین پیوند آن با طبقه کارگر ایران در افق آیندهای نزدیک با روشنی و وضوح بی‌سابقه‌ای ظهور خواهد کرد.

در این میان وظایف مهم و تعیین کننده‌ای بر عهده کارگران کمونیست ارضی نقاط ایران است و ما آنها را به تشکل برای انجام این وظایف فرا می‌خوانیم.

هسته‌های کمونیستی کارگران سلول‌های

حزبی

کارگران کمونیست خوب می‌دانند که کمونیست‌ها باید کارگران را آگاه کند، آگاهترین و پیشروترین کارگران را تشکل سازند و مبارزه طبقه را برای نیل به هدف تاریخی پرولتاریا

بطور تشکل رهبری نمایند. آری کارگران کمونیست به آنچه بر عهده کمونیست‌ها (از جمله خودشان) است، آگاهند و حتما خوب بخاطر دارند که ما تاکید کردیم که تا وقتی آگاهی در قالب تشکل متبلور نشود و جسم نیاید، راه به جایی نخواهد برد. لذا این یک وظیفه بسیار است که کارگران کمونیست، که بر رسالت تاریخی خویش واقفند تشکل شوند.

تشکل کارگران کمونیست چگونه تشکل است؟ بدون شک تشکل کارگران کمونیست با سایر تشکلات کارگران، مثلا با شورای واقعی تفاوت‌های فاحش دارد. از نظر سازمانی این تشکل مخفی است. چرا که سازمان دشمنان قسم خورده سرمایه و امپریالیسم است و مادام که دولت و دولت سرمایه و امپریالیسم باشد، چنین سازمانی نمی‌تواند علنا فعالیت کند. تا آنجا این تشکل، تشکل تعداد محدود و کوچکی از کارگرانست و همه نمی‌توانند و نباید به روشن آن راه یابند. این تشکل، تشکل توده‌های کارگران نیست، تشکل رهبران و پیشاهنگان طبقه است.

خاکها بر خلاف شوراهای کارگری در نظام اداره آن و در کار دیکتاتری، استرالیسم نیز نقش تعیین کننده دارد. در تشکل کارگران کمونیست هیچکس نمی‌تواند آمانتور یا آمر بحال باشد. آنها بخشی از یک ارتش سری بین‌المللی از انقلابیون حرفه‌ای است که نظم و انضباط آهنین پرولتری بر آن حاکم است و تبعیت از استرالیسم تحلیلی ناپذیر است. استرالیسمی که خود بر دیکتاتری درون آن مبنی است.

از نظر آرمان و اهداف نیز این تشکل با سایر تشکلات متعارف کارگران متفاوت است. آرمان و هدف نهایی این تشکل سوسیالیسم است. بعضی مدعیان که نه در این نظام بلکه تنها پس از ایجاد این نظام می‌توان بسندان دست یافت.

کارگری‌روز است! استعمار نابود است!

وظیفه سراسری یعنی تشکیل حزب گونیستی ایران، واجد اهمیت حیاتی است. بنابراین همه کارگران گونیستی را سراسراً می خوانیم تا: ۱- با سایر کارگران مبارز و تماس محل کار و محل زندگی خود بظهور متشکل ساختن آنان در یک هسته گونیستی تماس بگیرند. ۲- ضرورت متشکل شدن متشکل گونیستی ها را به آنان توضیح کنند. ۳- اصولی را که یک متشکل گونیستی باید بر آنها مبتنی باشد را به آنها بنمایانند. ۴- آنان را به اصول برنامه پرولتاریای گونیستی ایران (برنامه ا. م. ک.) معتقد ساخته و بطور دقیق این برنامه آنان را در هسته های گونیستی ناپریکی و مجلس متشکل سازند.

وظایف هسته های گونیستی ناپریکی و محلی
۱- هسته گونیستی موظف است کارگران حوزه فعالیت خود را آگاه کند

این وظیفه از طریق تبلیغ و ترویج مستمر انجام می گیرد. ضمنی و مستوی تبلیغ و ترویج هسته را در خطوط کلی، برنامه شخصی می کند و در لایق آن را تأکیدهای جزئی است و ضمنیت خاص کارگران محل. تبلیغ و ترویج برنامه و بسیج تعداد هر چه بیشتری از کارگران حول برنامه و تبدیل مطالبات برنامه حداقل گونیستی ها به مطالبه حلی کارگران جزو لاینفک فعالیت تبلیغی هسته گونیستی است. بنابراین تبلیغات هسته گونیستی بهیچ وجه با افت و محو و تغییرات سازه خود بخودی تفسیر ماهیت نمی دهد و با رکود مبارزه حلی تعطیل نمی شود.

فعالیت آگاه گرانه هسته مدتها باید سراسری قشر پیشرو و ستار کارگران محل فعالیت هسته متمرکز شود و آگاه ساختن توده کارگران مدتها بواسطه این قشر از کارگران انجام گیرد. لذا ضروری است که هسته ارتباط دائمی خود را

اما هنوز آنچه که پیشرو هم برای ایجاد یک شکل باید از دیگران گونیستی گانی نیست. گونیست هائی که هدفی اینچنین بر مطمت و حسب الحصول را پیش روی خود می گذارند باید در مورد بسیاری از مسائل دیگر نیز متفکر و فکور همراهن باشند. آنها باید شناختی یکسان از جامعه و واقعتی که کمر به تفسیر آن بسته اند داشته باشند، آنها باید بر سران اصولی که مبنای هر حرکت آنان در آینده خواهد بود، اصولی که به تبلیغات، ترویج و سازماندهی هر گلبه و جبهه تأکیدی های آتی آنان ناظر خواهد بود، توانی کامل داشته باشند، آنها باید اهداف نوری و عاجلی که هم اکنون بططور پیشروی در این راه طولانی و پرپیچ و خم پیش روی خود قرار می دهند را به روشنی و متفکراً تصریف کرده باشند. . . . یک کلام آنها باید نه نقطه دارای آرمان واحد بلکه دارای "برنامه" واحد باشند. برنامه هویت یک متشکل گونیستی است و بدون آن هیچ حرکتی از دوام، استحکام، و پایداری و پیاپی در یک مبارزه متشکل و طولانی نمی توان زد.

اصول برنامه اتحاد مبارزان گونیست ۳ اصل برنامه های گونیستی است که ما گونیست گونیست های ایران را به شکل میگرد آن سراسراً می خوانیم. پیوسته از کارگران گونیست سراسر ایران مصراحت دعوت می کنیم که بر بنای اصول "برنامه اتحاد مبارزان گونیست" در محل کار و محل زندگی خود تشکلات گونیستی کارگران را برپا دارند. این دعوت ما از کارگران ایران در همین حال نبراهون حرکت آنان بسوی تشکیل حزب کارگر گونیست ایران است. تشکلات گونیستی کارگران در محلات و ناپریک ها سلول های حزب را تشکیل می دهند و این سلولها در ارتباط ارگانیک با هم و با ارگانهای مرکزی، حزب را به یک متشکل سراسری و واحد تبدیل می کند. بنابراین متشکل کارگران در هسته های گونیستی محلی و ناپریکی نه تنها از نقطه نظر پیشرو و وظائف مبارزاتی محلی آنان بی ضرورت دارد بلکه به عنوان یک گام مهم در انجام یک

اگر ما کارگران ایران را نمی بینیم همه جزو آنها از حرکت باز خواهند ایستاد

فرصت‌ها باشد. هسته کونیتی باید به‌لباس
فدیه‌های را تربیت کند که بتوانند از امکانات
عطی برای آموزش توده‌ها حداکثر استفاده را
بکنند بدون آنکه از یکسو اذیت کاری خود را
بخطر اندازند و بدون آنکه از سوی دیگر از
اصول عدول کنند. تبلیغ توده‌های و عطی و در همین
حال حتی بر اصول کاری شیهه بند بازی است
اما ما در همه جا به این بند بازی خبره نیازمند
یم. هسته باید آنان را تربیت کند، سازمان
دهد و استعداد آنان را در خدمت آگاهی
کارگران بکار اندازد. بی‌توجهی به تبلیغات
شغلی و بورژوازی به شکل توده‌های و عطی آن یکی
از طبل ناشناخته ماندن اهداف کونیت‌ها
در نزد توده‌های کارگران است. هسته‌ها باید
با جدیت تمام در راه رفع این نقص بکوشند.
گفتم که هسته باید پیشروان را در شبکه
ارتباطی سازمان دهد و آموزش و ارتقاء سطح
آگاهی آنان را عمدتاً از طریق ایدای گمنام تبلیغی
و ترویجی به پیش برود. اما همه این پیشروان
برای هسته پیمان نیستند.

هسته برای کارگران فعال تر و همچنین
برای رهبران عطی که در رهبری مبارزات توده
کارگران نقش حساسی ایفا می‌کنند، باید کار
آگاهانه و ویژه‌ای اختصاص دهد. چنانکه باید
این دسته از کارگران را نسبت به نقش و مسوولیت
آنان و مسوولیتی که تاریخ به‌عهده شخص آنان
گذاشته است آگاه کند. باید به آنان پیشنهاد
که چرا باید کونیت باشند و چرا باید به
تشکیلات کونیتی پیوندند و چرا بایستند در
اینکار تمحیل کنند.

با این حساب همیشه هشتاد و نه بر معالیه
تبلیغی و آگاهانه عمومی خود نسبت به توده
کارگران و نشر پیشرو، عده محدودی از کارگران
مبارز و پیشرو و رهبران عطی رحمت چپ شده
را باید به‌منظور جذب آنان به هسته و تقبل کار
تشکیلاتی و پیگیری کونیتی از جانب آن‌ها
آموزش اختصاصی بدهد.

نشریه کارگر کونیت و اطلاعیه‌های سایر
تشکیلات کونیتی و از جمله هسته‌های کارگروه

با پیشروان حوزه فعالیت خود سازمان دهد و
شبکهای ارتباطی میان خود و پیشروان محصل
ایجاد نماید. ایدای تبلیغی و ترویجی هسته
باید به‌منظور عظیم در این شبکه جریان داشته
باشد و از طریق همین شبکه تبلیغات شغلی
و توده‌های کارگران پیشرو هدایت شود.

نقش تبلیغات شغلی و آرتیستون توده‌های
و عطی در ارتقاء سطح آگاهی توده کارگران با
هیچ چیز دیگری قابل جایگزینی نیست بورژوازی در
ایران که اکثریت کارگران از دانش مسوا
خواندن و نوشتن معروضند، رنگ اصلی فعالیت
آگاهانه هسته در جهت ارتقاء سطح عمومی
آگاهی کارگران را سازماندهی تبلیغات شغلی
و توده‌های تشکیل می‌دهد. هسته باید از شبکه
تک کارگران آگاه در ترویج شغلی و آگاه کردن
عموم کارگران استفاده کند، چه از طریق حضور
فعال در محافل کارگری و چه در مجامع آنان.

هسته باید بورژوازی کارگرانی را که استعداد و
قابلیت خود را در آرتیستون توده‌های نقش
دادندند فعالانه به‌سخت خود جلب کند و آنان
را به سلطان مشکل در هسته کونیتی تبدیل
نماید و بکوشد تا با تکیه بر اینچنین جلعانی
از فرصت‌هایی که برای آرتیستون توده‌های و
عطی بدست می‌آید به نحو احسن در جهت
ارتقاء سطح آگاهی عموم کارگران استفاده کند.

سلطان توده‌های را نمی‌توان از حساب
کارخانه یا محله وارد کرد. هسته باید مستعد
ترین کارگران را به این منظور آموزش دهد و
خلافت و استعداد آنان را در خدمت کارگران
بکار اندازد. فرصت تبلیغ عطی و سخنرانی در
مقابل جمعیت کارگران بکرات پیش می‌آید. حتی
خود کارخانه‌ها و کارگزاران آنها در فامبریکها
نیاز دارند که بدلائل و مناسبت‌های گوناگون
توده کارگران را جمع کنند. هر گاه کارگران
بهر دلیل جمع شده باشند فرصتی بدست
می‌آید که نباید به‌بیخ وجه از دست برود. از
همه این فرصت‌ها برای ارتقاء سطح آگاهی و
شعور طبقاتی کارگران می‌توان و باید استفاده
کرد. هسته کونیتی باید مترصد همه این

و کمونیستی لایبریک ها و معلات دیگر می توانند به هر هسته مابریکی و محلی در ارتقا دادن سطح آگاهی کارگران حیطه فعالیتشان مبادر رسانند. هسته می تواند از طریق بخش مستقیم این نشریات و همچنین از طریق بازنگری و بسا تلخیص این نشریات و رساندن آنها به دست کارگزاران کارگاه گرانه خود را تسهیل نماید.

۲- هسته کمونیستی و وظایف است کارگران حوزه فعالیت خود را متشکل نماید

آگاهی باید بصورت تشکیلات محسم مآید. هسته موظف است علاوه بر آگاه کردن کارگران و علاوه بر تقسیم ضرورت وحدت و تشکل بسسه کارگران و علاوه بر نشان دادن راههای متشکل شدن، خود علاوه بر راه متشکل کردن کارگران و مبارزات آنان در حوزه فعالیت خود بکوشد. ما با دو نوع تشکل آشنا شده ایم. تشکل توده ای و مگرانیک کارگران (مانند شوراهای تشکل حزبی) مانند خود هسته. هسته باید بکوشد توده کارگران را در شورای واقعی محلی با مابریک متشکل سازد و همچنین پیشروترین و آگامترین عناصر را به تشکل حزبی بکشد. نکته قابل توجه درباره هستهها اینست که

آنها در ادامه رشد کمی خود تحول کیفی می یابند. هسته اولیه بسبب وجه نباید نگرسان افزایش تعداد اعضا خود باشد. هسته اگر بخواهد تک سلولی بودن خود را حفظ کند می تواند با افزایش تعداد اعضا بلج خواهد شد. همراه با افزایش کمی تعداد اعضا لازم است که تحمیرات و تحولاتی در درون آن از نظر تشکیلاتی بوقوع بپیوندد. با افزایش نفوذ در هسته تقسیم کار ایجاد می شود. هسته مابریک و بالا رهبری و اعضا پیدا می کند. نقش های مختلف هسته مابریک کوشتهای مختلف زیر هدایت یک مرکزیت تقسیم می شود. چاپ، نگهبانی، اعلامیه نویسی، سازماندهی و حفظ و بساط ارتباطات شبکه، حفظ و تقویت ارتباط بسا هسته های دیگر منطقه و همچنین با سازمانهای

مبارزاتی سازماندهی تبلیغات شفاهی، ترویج ویژه، رهبری فعالیت طنز، رهبری اعتلاف ها و تشکیلات نیمه مطنز نیمه طنز، پیوستگی بلاغرم های مبارزاتی در هر زمینه و اداره تشکیلات جانبی هسته و ... هر کسکه اقدام سلولس و نفوذ ویژه خاص خودش را خواهد یافت. در واقع هسته ساده در ادامه رشد خود به هسته مرکب و به کشته حزبی کارخانه یا محله تبدیل خواهد شد. بنابراین ظرفیت پذیرش طود در هسته کمونیستی بسبب وجه محدود نیست. پذیرش برنامه اصول سلولس، پذیرش اساسنامه شرایطی است که واجب پس آن بدین هسته راه می یابند و هسته را تکامل می بخشد.

اما در میان این دو قسم تشکل یعنی تشکل توده ای و تشکل حزبی تشکلات دیگری نیز می تواند و باید بوجود آید. تشکلاتی از کارگران پیشرو برای تحقق اهداف ویژه و مشخصی هسته نماید و نمی تواند که تا زمان ارتقا یافتن کارگران آگاه تر تا سطح صلاحیت ضویت در هسته تنها بکار ترویجی با آنها بسنسد کند. هسته موظف است هر عده از کارگران را که بندهوی بر بخش از وظائف و رسالت مبارزاتی و تاریخی خود آگاه شده اند، حول بلاغرم های مشدر مبارزاتی سازمان دهد و توان تک تشکل آنان را در خدمت مبارزه نگار کند. اگر بخشی از کارگران به ضرورت مبارزه برای آزادی زداریان سیاسی می برده اند باید برای مبارزه در این راه سازمان داده شوند. اگر بخشیی از کارگران به ضرورت اتحاد و مبارزه کارگران شاعیل و بیگاری برای خلاصی از اثرات نکت بار بیگاری و گرسنگی می برده اند باید سازمان داده شوند. اگر بخشی از کارگران به ضرورت تلاش در جهت ایجاد شورای واقعی می برده اند باید بهمین منظور متشکل شوند. اگر بخشی از کارگران به

«اتحاد مبارزان کمونیست»
به کمک های مالی شما نیازمند است

است. همچنان از وظائف مبارزاتی هسته به این خاطر که تفکری گسترده تر با ندرستی اتلانتیسی به منظور پیگیری آن ایجاد شده است از هسته هسته کوبیستی ساختاری می شود. بی المثال اگر هسته موفق شده است اسلانی از کارگران پیشرو و تشکلات دیگر کارگران برای مبارزه در راه شوراها و زانسی بوجود آورد. نباید لحظه ای از رفتن کردن آن هسته هدف چشم پوشد و خود را به موضع بازنگار تزلزل دهد.

در مورد مبارزه نویدی در حوزه نعلیست هسته رهبری اشکال پیچیده تر می بخورد میگرد.

اما بهر حال این نیز وظیفه هسته است. همانطور که گنیم هسته بعداً از طریق و بواسطه رهبران فعلی کارگران می تواند مهر رهبری خود را صلاً بر مبارزات نویدها بگذرد. هسته کوبیستی هر زمان که تشکیل شود با این نقش از کارگران ممتاز در حیطه عمل خود مواجه خواهد بود. اولین

گام در جهت گسیب رهبری تلالی در جهت جذب رهبران است. در همین حال هسته باید رهبران سازشکار خود نروخته و آنان را که ضایع نمود را که در پیشبرد مبارزه طبقاتی بلکه در سازش دادن طبقات مستحق می کند. اما هسته باید آنان را بر ملا سازد و بکوشد که کارگران از دنبال روی آنان امتناع کنند و به حامیان ظاهر آگاه و نعلال و انقلابی تبدیل شوند.

هسته باید در اصل خود بهترین رهبر را برای پیشبرد مبارزه ارائه دهد. باید اهداف اصولی، شعارهای اصولی و شیوههای اصولی را در هر مبارزه تبلیغ کند و بکوشد تا این اهداف و شعارها و شیوهها از سوی کارگران و پیشروان آنان پذیرفته و اتخاذ شود. هسته نباید هیچ وجه حریا رهبر حرکات خود بخودی کارگزاران باشد. نظر داشتن به ضایع کل طبقه و اهداف استراتژیک آن باعث می شود که حتی در مواردی هسته نه تنها بعضی از حرکات خود بخودی را

صورت کند به جنبش مقاومت خلق کرد آگاه شده اند باید به همین منظور متشکل گردند، کارگرانی که به صورت دفاع از حقوق زنان به صورت دفاع متشکل از آزادی و دموکراسی در صورت مقاومت در مقابل موج اغتشاق و سانسور و خلاصه به صورت تحقق راه بخشی از برنامه روزنامه ای آگاه ایران می بردند باید متشکل شوند. . . . هسته کوبیستی که فعال تر پسندید اقدام برنامه است باید آنها را متشکل کند. بدون شک مفهوم این نیست که هر بند برنامه مساوی است با سازمان مستقلی را ایجاد می کند. ضروری این است که هسته کوبیستی که هدفش تحقق برنامه است هر کارگری که بخواند حتی یک گام در این راه بردارد را باید بخوبی شایسته سازماندهی کند. این سازمان می تواند تشکلی جنبی و یا تشکلی مستقماً تحت کنترل هسته باشد.

بهر حال هسته موظف است با صاحبان و پیگیری دست هر کارگری را که می خواهد در راه انقلاب مبارزه کند در دست همراهان دیگر و بگذارد و خود دست همشان را بگیرد. این شیوه کار تشکلیاتی و اصول مبارزه طبقاتی را به آنان می آموزد و خود یار و پشتیبان آنان باشد. کار مستعد و پیگیر بر روی پیشروان پیش شرط تعیین هسته در متشکل کردن آنان است. بنابراین قرار دادن پیشروان نعلالی در شبکه ارتباطی و تبلیغی هسته که خود نوی سازماندهی محسوب می شود از این نقطه نظر اهمیت ویژه می یابد.

۳- هسته کوبیستی باید به مبارزات کارگران حیطه فعالیت خود را رهبری کند

رهبری کلبه تشکلاتی که بر اساس پلاتنرهای مبارزاتی و بخاطر مبارزه در راه تحقق بخشی از اهداف هسته از کارگران پیشرو ایجاد شده است بدون تردید وظیفه دائمی هسته کوبیستی

زنده باد سوسیالیسم!

رهبری نکند بلکه تا فرار دادن آن حرکت در صورت کاذب صلح و اصولی آن از پرتگاهه و این مبارزه خود بخودی جلوگیری نماید. از این گذشته به انتظار او جگر مبارزات خود بخودی نمی نرسند، بلکه دائما و بدون وقفه کارگسران را به مبارزه در جهت تحقق برنامه پولتاریسم کونیستی و شرکت در مبارزاتی جدید و گسودن همه مدائی نوبین برای خوانند . . . یک هسته کونیستی با انتظار مطرح شدن مسائل برای کارگران نمی نشیند بلکه خود موافق است مسائل را برای کارگران مطرح کند و آنانرا برای حل این مسائل بسیج نماید. مسائلی که شاید هرگز ظهور خود بخودی برای کارگران مطرح نگردند.

هسته کونیستی نباید تنها و شلخته رهبریه کردن خود را به رهبری مبارزات عملی بر سر خواست های بلاواسطه آنها از طریق سی سازماندهی رهبران عملی محدود سازد. هسته کونیستی باید بکوشد که خود بنحویه یک شکل کونیستی در نزد توده ها بعنوان رهبر شناخته شود و مورد تعجب و ذماتوری از جانب توده ها قرار گیرد. به عبارت دیگر کافی نیست که هسته توده ها را تنها به واسطه رهبران عملی رهبری کند. انتخاب، انکاز، توکل و ملائنه مندی کارگران علاوه بر رهبران عملی باید به خود هسته نیز بعنوان یک شکل کونیستی مستقیما مطوف گردد. بزبان ساده مستجاب دعائی برسد که کارگران در برخورد به محاسبات پیچیده نشان صادقانه بگویند: "هر کاری هسته بگوید محکم". "خدا هسته صحیح می گویند" هسته بی دلیل حریفی نمی زند. "هسته بهتر می داند" . . .

برای اینکه هسته کونیستی بتواند به چنین مقامی در نزد کارگران دست یابد باید نکاتی را که درباره رهبران عملی بر شعور هم در پرتاب خود مد نظر داشته باشد.

قبل از هر چیز لازم است که هسته نام و هویتی مشخص داشته باشد. نام و هویتی که مستقل از افراد آن پابرجا و برقرار می ماند. هسته باید از ابتدای کار نام مشخص بر خود

بگذارد، با جتن ملاحظت و آرم و برزای داشته باشد و شماره اعلامیه ها، اطلاعیه ها، بیانیه ها و موضع گیری های خود را با همین نام انتشار دهد. هسته باید حضور دائمی خود را در کنار کارگران حوزه فعالیت خود به آنان نشان دهد و اثبات کند. بنابراین اگرچه موضوع کنار هسته مدتها کارگران پیشرو و پیشتان عمل است و توده کارگران ربط مستقیم تشکلاتی با هسته ندارند اما هسته باید گام گام و منطقی مستقیما با توده کارگران از طریق انتشار اطلاعیه های گسترده انتشاراتی بگوید و ارتباط معنوی متقابل خود و توده ها را مستقیما ایجاد و تثبیت کند. کارگران در اثر براتیک هسته باید دریابند که هسته متعلق به آنانست برای اهدای آنان مبارزه می کند، بهترین سفینگو و نمایندگانی است بیشتر از هر کسی دیگر خواست ها و تمایلات آنان را بیان می کند، هسته حسابگر و با تجربه و دوراندیش است، هسته به کارگران متکی است و هرگز توطئه نمی کند بر سر شایع کارگران معامله نمی کند، هسته بهترین باز کارگران است.

خلاصه اینکه براتیک هسته باید بدین نحو باشد که در نزد کارگران معتبر، محترم، قابل اتکا و محبوب گردد و کارگران به آن اعتماد و اتکا پیدا کنند. دست یابی به چنین موقعیتی مستلزم کار پیگیر و مستمر کونیستی است. اگر چه این موقعیت به سختی و بگندی بدست می آید اما برای پیشبرد امر رهبری بسیار اهمیت دارد. یک هسته معتبر و محبوب و پراساب با یک اعلامیه ساده می تواند تمام محبوبیت خود را به دست نیابد و شورا منتقل سازد و انتخاب او را تعیین نماید. در جریان تشکیل حزب کونیست، در پی اعلام پیوستن هسته به حزب تمام اعتبار محبوبیت، هسته به محبوبیت و اعتبار و نفوذ حزب نیز افزوده می گردد . . .

مبارزات تاکتیکی می کنیم که هسته کونیستی

"کارگروگمونیست"
 را بدست کارگران مبارز بزنید

برای اینکه رهبری مبارزات کارگران در حیطه فعالیت خود را در دست بگیرد. علاوه بر ارائه بهترین روشها و نشان دادن صحیح ترس و اصولی ترین تاکتیک ها لازم است که تشکر ممتاز کارگران، یعنی رهبران محلی آنان را سازمان بدهد و در جهت انجام این تاکتیک ها بر اساس نقشهای حساب شده بحرکت درآورد. يك هسته محلی نمی تواند بدون این واسطه عملی نقش بگیرد و رهبری مبارزات خود را داشته باشد.

هسته کمونیستی باید برای تشکیل حزب کمونیست ایران بکوشد

اینکه تاکنون در مبارزات تشکیل هسته ها و طاقه ها، آنان فکر کردیم خود بنحوی موثر در خدمت تشکیل حزب کمونیست ایران است لکن هسته بجز اینها خود نیز باید مستعد و سازماندهی در جهت تشکیل حزب کمونیست ایران بکوشد. از حیطه:

هسته باید مبلغ مستگنی نباشد بر ایجاد حزب کمونیست باشد. با تشکل گریزی کارگران با گرایشات آنان کوشند یکالیتی و همچنین ستارگانی (نره گرایانه) آنان به گویانده مبارزه کند. تبلیغاتی را که بر ضد کمونیسم صورت می گیرد و انحرافات را که بنام کمونیسم بسیار کارگران برده می شود شنش نماید و کارگران را بگرد آمدن به زیر پرچم يك برنامه واحد کمونیستی و تشکیل يك حزب کمونیست بر اساس آن فرا خواند.

هسته باید بکوشد تا نشریه کارگر کمونیست بلك نشریه سرسری و اهرمی قدرتمند بسیاری سبب کارگران به زیر پرچم بولتاریای کمونیست تبدیل شود. هسته باید توزیع هر چه منطقی تر ك. ك. را در حیطه فعالیت خود سازمان دهد. هسته باید در تعیین تاکتیک های مبارزاتی

سراسری، از طریق ارتباط مستمر با ك. ك. اعمال بکوشد.

هسته های محلی، کارگران شمال محله را به ایجاد هسته های ناپهنگی در ناپهنگ هایشان و هسته های ناپهنگی کارگران شمال ناپهنگ را به ایجاد هسته های محلی در محلاتشان ترغیب نماید و اصول مربوط به اینکار را به آنها بیاموزند. هسته های کمونیستی محلی و ناپهنگی هر ناحیه باید برای حفظ ارتباط داخلی خود با کارگران و همچنین بنظر پیشبرد هر چه بیشتر مبارزه در منطقه خود و برای همبسته گزینستن و طاقه حزبی گسترده تر در سطح ناحیه بسازد بگر ارتباط نزدیک تشکیلاتی برقرار نماید.

هسته های کمونیستی باید بکوشند و عناصر فعال وابسته به تشکلات دیگر کمونیستی و کارگری را واردند تا سازمانهایشان را برای پیوستن به تلاحی هائی که در سطح جنبش در حیت ایجاد حزب انعام می گوید بحرکت درآورد.

بدون شك لازم است که وطاقه هسته های کمونیستی مبتنی بر اصول برنامه ا. م. ک. در هماننگی با ارگانهای تشکیلاتی ا. م. ک. انعام گردد. يك وظیفه مهم هر هسته کمونیستی مبتنی بر این اصول ایستد که با ا. م. ک. ارتباط تشکیلاتی برقرار نماید. مادام که این ارتباط ایجاد نشده است هسته نباید انعام هیچکدام از وطاقه خود را به این دلیل بعهده تصویب اندازد.



خبرنامه کومله را بخوانید و کارگران را از آنچه که در کردستان میگذرد باخبر کنید

پیش بسوی تشکیل شوراهای واقعی!

مسئله زنان مساله کارگران است

تخصص میاوی و در جمهوری اسلامی هر روز بیشتر و بیشتر چهره کرده خود را بسند مسائلی می گذارد. عدم تساوی حقوق زنان با مردان در تمامی نشئون زندگی اجتماعی، محوری باور کردنی هر روز شنیده می شود. نابرابری که بر در و میوار مبارزه ها، بانک ها، ادارات دولتی، مدارس، و حتی مسائل تفریحی عمومی بر دربی تعبیه می شود آسان را میانه می بیند. سزائی، آمریقای سوئی، و سیاست آپارتاید می اندازد. اینجا نابرابری "مخصوصیهاها" "ورود سببهاها" "مجموع" "و سبزه غنچه" "پوستان" و ... اینجا "زود زنان بی محتاب" "مجموع" "مخصوصیهاها" "مجموعیهاها" "مجموعیهاها" و اعتنا بهم چشم و وجدان آسان را می آزارد.

در محل وضع زنان بسیار دشوارتر است که از نابرابری و خیریات و حقوقی و حقوقی می توان دریافت. عملاً هیچ آمیختگی برای یک زن در سطح شهر وجود ندارد. هیچ استعماری ندارد که ساکن جدید جوان سیمان دست زن بی حاجتی را در زور روش نگیرد و بسازد. او میباید کند و او را در حفظ به محاسبات تخلفی از توازن "الهی" اجتناب که حسود می خواهد محکوم کند ... استعماری ندارد چرا که بارها و بارها از اندای اجداد است و دستگاه های استعماری اسلامی آنرا بحساب حرور انقلابی امت مسلمانی گذاشته اند. در شهر - سببها همان جوانان عرب الله در او میباید های بلندگوهار در شهر پرتی می رسد و زن ها بی حاجت را با تخلف و گناه تا آخر با رعایت محتاب اسلامی برمان می دهد. در مقارنه صراحت با داشتن امور آنچنان رفتار می شود که کوی بیخ میباید رفتن آنرا گناه بوده است.

آنان میباید بهر از یک بهانه واهی، معاطف صیدستان، کس و برحاستان، نویسن و ورزش کرده ستان و بلند حرف ده ستان و چون چهار

کرده ستان و در اصل معاطف همان گناه اصلی تان کیفر سببند. سببه توبه و خورد نفس و اسباب قرار نگیرد. نه در مدارس بلکه در هیچ جای دیگر محتاب از ورزش دختران و زنان و اسباب آمان از امکانات عمومی ورزشی در میان است.

زود ورود زنان بی محتاب سببهاها اماکن عمومی ممنوع شده است و در واقع زنان بی محتاب از استفاده بسیاری از امکانات بیروم گرفته اند. زنان سببهاها نمی توانند حقوق بازبینی خود را دریافت کنند مگر با ارائه کارت شناسایی که عکس آن با محتاب باشد ... تا همین شطرنج زنان کارگر و کارمند معاطف هر فرد میباید به این سببهاها بخطر افتاده است و عملاً بسیاری از زنان معاطف ایستادگی تان برای دفاع از حقوق مسلمتان کار و محل درآمدتان را از دست داده اند و اگر از ناخوشی آنها خبر رسیده باشند گفتگ با ایشان بسیار سخت است به دلایل محتاب اجباری هم می باشد.

تخفیر زنان و سببهاها به آنان به صورت پدیده های عادی و روزمره در آمده است که گناه سببهاها کیفر محکوم می شود. حقوق زن مسلمان یک آسان هر روز بیشتر و بیشتر دست می رود و اهمیت بیشتر استعماری زن هر روز کم می شود ... دیگر زنان بدون اجازت مردان بسیاری از کارها را نمی توانند انجام دهند. ازدواج یک زن مایع بدون اجازت پدرین دیگر رسمیت ندارد و در دهاس رسمی سببهاها می شود. در ادارات مکشی شده دولتی یکوا می سببهاها می مسئولین در باح به ارباب رجوع زن می گویند: "سببهاها"

**کمونیست ها یکدیگرترین مدافعان
ساوی کامل حقوق زن و مرد هستند.**

جمهوری اسلامی و سردمداران آن بر حقوق زنان
بصورت استهکام موقعیتشان افزوده شده و
می شود. رهبران جمهوری اسلامی در ابتدا
این چنین موضع خصمانه خود را نسبت به زنان
و تلاحق خود را برای محروم ساختن زنان از حقوق

نشان می داده. امروز نمی‌توانیم و نمی‌توانستیم
نمی‌کردند. فی المثل خمینی در پاریس معتقد
بود که زنان هم البته حق خواصده دانشگاه
ساخته مردان به ریاست جمهوری استغاثت نوسه
... اما همان او پس از تشکیل موقعیتش نسه

قانون اساسی ای رای مثبت داد که ریاست
جمهوری را تنها به عهده رجال (مردان)
می گذارد! بدینال سرگویی هر چه بیشتر
مردم انقلابی، لایحه قضای مطرح می شود که
ولی لایحه صحت آنرا بدینی می شارد و اصولا

نیازی به تمویب آن نمی بیند. این لایحه
با صراحتی بسیار بیشتر از قانون اساسی
جمهوری اسلامی حقوق زنان را لنگه حال گسرنده
است ... و لایحه اگر کار همین سوال ادا نه

چایند طوفانی میخاوهد کشد که حجاب اجباری توسط
مجلس تأیید میاید و کار زنان در بخت های
محصی ممنوع اعلام شود و درهای بسیاری از
دانشگاهها بر روی زنان اصولا بسته شود ...

در بدو امر رهبران جمهوری اسلامی محصی
داشتند خود را در مورد ناله زنان دمگرات
و مساوی طلبها برسد. اما همگفتا یوندا نه

بر این نکته کلیه می گرسد که مساوی نیاید
در چهارچوب اسلام باشد! آری آنها محوسی
از جهل مردم و در واقع از جهل اندر جهل
آسان بود برسد. آنها که در ابتدا محسی
خواستند ظما غفایه ارتعایی و مردپروسانه
خود را ابراز گرسد با گفتن "رایه"، "مساوی"
و "برابری" و ناکیده بر محدودیت همه آنها
در چهارچوب اسلام، گویمان خود را از پرستی
های مریخ رورسانه نگاران خلاص می گردسید.

بروید نه آقا پتان بگوید تشریف بیاورید! ...
و بالاخره چندی پیش در روزنامهها خواندیم
که زنی را مجرم ترک خانه بدون اجازه و اطلاع
شوهر در دادگاه شرع مجرم شناخته و محکوم
کرده اند! ...

این تصدیقات عمومی علیه زنان در سطح
جامعه، بدون خانواده هم کشیده شده است.
عدم حمایت قانون و اجتماع از زن، سرگردان
متمصب و برتری طلب را در خانه جری برگرده.
است و موقعیت زنان و دختران در خانواده رایج

مقام است نوری از آنچه ستا موعود بودند نرول
فاده است. زندگی ب بسیاری از زنان و دختران
ای از شو برادران و بدوای زورگوییها سیاه
شده است و دیگر گویی راه چاره ای جز خودکشی
و فرار از این زندگی ننگینار برای محصی
از آنان باقی نمانده است.

قوانین مصوب نهاد های جمهوری اسلامی اعیم
از قانون اساسی و با مصوبات مجلس شورای
قوانین کارگاهها و موسسات دولتی و دانشگاه
های شرع همگی به فرو دست بودن زنان در ایس

نظام گواصه. بیشتری نمایندگان مجلسان
مجلس اسلامی در طلب حقوق زنان محدی رسوده
است که هر و عدای همان یکدوشن زن نماینده
خاغر در مجلس که خود جیره خوار و محبرگویی
این نظام هستند، ندر آمده است. خلاصه اینکه

جمهوری اسلامی با همه بیبروهایی، چه در دولت
چه در مجلس، چه در دانشگاهی و چه در ضیمان
از طریق حزب الله و مامورین اداره تکبیرات
و چه در کارخانه ها و مدارس و ادارات متوسط
انجمن های اسلامی سعی دارد همان حقوق و آزادی

های سیم بسد زنان را از آنان بارسانسد و
آنان را ب به بفرستن می حقوقی کامل و تمحصی
ضنی تحت موازین اسلامی محصور نماید.
نکته قابل توجه اینست که فشار حملات

کلیه محاکمات باید علنی باشد!

ندارد، مگر اینکه بوی در خاندان نمانده باشد. در ندون اجازه شوهر حق کارگردن و حتی عوار خانه خارج ندون ندارد. در محسلا حق خدانش ندارد و در بعضی مرد می تواند برش را بی هیچ دلیلی، حتی بیانا تلاق دهد. در اسلام حاکم شوخ مرد است. فامی برداست. فقیه مرد است، رئیس خانواده مرد است و حتی معاشر بکار برده شده در قرآن برای خداسان می دهد که خدا هم مرد است.

در نصف مرد اثر می برد. شهادت درن مجموع لا اعتبار ندارد و اگر فامه باشد یا ستاره تصدیک مرد است. حقوق اجتماعی در اسلام بیشتر به حقوق عقیدت و محمودان و معسران سبب است تا به حقوق مردان. مردان در دانش رابطه با زمان سمد کاملاً آزادند و مذهب برای آنان راههای کوناگونی در نظر گرفته اند که نیازی به قدم برداشتن بیوی کسبانه بدانند یا خند آنها در مقابل زمان محله و پژوهشی در عقاید نگاه شوهر خویش است. در فوایدین برای اسلام در باره زمان، فردوسی و ن سلگ مرد سبب درن محوسن میان است. راکاری در اسلام شدت مورد خدمت برای ترهیمه و برای آن گیری هولناک و وحشیانه تعیین شده است. اما همه مدعومت مثل رسا به این خاطر است که به حقوق صاحبان زن نسبی پدر و یا شوهر زن تجاوز می خود. همین خاطر است که رضایت و قبولی صاحبان زن بیسی تاکیان عمومی می تواند کبیر را به حداقل تحلیل دهد و اراده و عزم آنان در نسبه زن و مرد رناکار. بی هیچ دادگاهی می تواند پاخر؛ فرآید. و وی محال رسی که در جامعه اسلامی ماحمی نداشته باشد.

در نسبت به مردان جوویان و زمان بسیار وعده داده شده است. آخر زن در اسلام اسباب بدلا مرد است. پس اگر زن متعلق به مسرد محیی است. باید در خانه او بماند، بسبب او خدمت کند. معاینه را کسی نشود، رخن را مرد دیگری ببیند. با کسی معاشرت نکند... چه اینها همه از حقوق انحصاری مردانست. و اگر

مردم را مرتب مردانند بدون آنکه در واقع درونی گفته باشند. چرا که می دانستند مردم میزانی و چهارچوب اسلام را نمی شناسد و اسلام به نظر عوامیسی نگاه می کنند و هرگز به عقلمان هم حقوق نخواهد کرد که اجرای موازین اسلام، به یک کلمه براد و نه سسنگ کلمه کم، بیوزنه رسا را املا به سد خواهند کشید.

زن در اسلام معانی انگارا بست برار صره دارد. بسیاری از حقوق خاص مردان است و زمان از آنها محرومست. مردان را بوسان تسلط و حق بگاهی است. بواسطه آنکه مردان از باز خود باید به زن سعه دهند پس رسا نایستد و مطیع در نسبت مردان حافظ حقوق توهران باشند و آنچه را که خدا به حسب آن امر فرموده نگاه دارند و تا سبکه از محالعت و مافرمانی آنان بمانند تا به محسلا آنها را موعظه کنید و اگر مطیع نشوند از جوابگاه آنها دوری گزینید. بار مطیع شدند آنها را به زن سبب کنید چنانچه اطاعت کردند دیگر بر آنها حق هیچگونه ستم ندارد و همانا خدا برقرار و عظیم الثنا است. آیه ۳۳ از سوره النساء: برجهه عبیدی الهی نیستی.

آری مردان در اسلام آنگار بر زمان برحق داده شده اند. زمان در واقع برنگان مردانست باید مطیع آنان باشند. در خانواده مردان حکم می رسد و به آنان بوسه نه است که برای مطاعتند در آن رسا نشان آنها را گنگ بوسند. زن خود مایملک مرد است. آرا به مهر می خورد و می فروزند. دختران آن پدر و زن از آن شوهر است. زن انسان بلکه تشاه مسادر بچه های مرد است. مادر نه به معنی فسرین بیسنی آن. مادر بیسی راننده، شیردهنده و تربیت کننده بچه ها. او باره هر کدام آرایین وظایف بی سوانه مرد مطالبه کند چرا که او این خدات را نه برای مردان خود بلکه بسرای مرد انجام می دهد. زن حتی نسبت به فرزند آن

خواهد از خانه خارج شود و در اجتماع ظاهر
گرمه باید سرتا پیش را بیوانند، حرف بزنند،
یکس کاری نداشته باشد، و سورا به خانه
برگردد! چرا که اسلام آنقدر دست بردان را
در تجاوز به حقوق زنان بارگذاشته است که
تنها راه محفوظ ماندن آنان برای شوهران
دورنگهداشتن از دسترس بردان نیکوست و پس!
آری زن کنیز مرد امت و چایش در خانه بردن
در مدار امور جامعه .

اگر دقت کنید در می یابید که آنچه در
جمهوری اسلامی تاکنون در مورد زنان انجام
گرفته عین قوانین اسلام بوده است . معاشی های
جواب الله به زنان و شمارهای نظیر "پاروسری
با توپری" عین مکتب است . اسلام همان چیزی
را از زنان می خواهد که ادبانی حزب الهی
تاکنون خواسته اند . اسلام واقعی چیزی جز این
نیست . اسلام معاصین قتل برائتی الشقاقی
است . زن در اسلام واقعی موجودی خانه نشین
است و جزء دارائی های مرد خانه !

یقیناً بمانید که اگر رژیم جمهوری اسلامی
همچنان بر سر قدرت بماند و تغییر ماهیت ندهد
قوانین اسلام در باره زنان را تا انتها به
اجرا در خواهد آورد و زمان را اوستام بواستب
اجتماعی که تاکنون از آنان برخوردار بوده اند
محروم خواهد ساخت و آنان را بکنج خانه ها
خواهد فرستاد و حتی همانطور که تا چند سال
پیش اکثر روحانیون معتقد بودند آنان را ردی
خواهند در مدارس و دانشگاه ها نیز بار خواهد
داشت و نرنجی خواهد داد که آنان در همان
کنج خانه ها "علم" یعنی نران و فقه و قوانین
بردی خود را بیاموزند .

اما شوالی مطرح است و آن اینست که چرا
جمهوری اسلامی اینچنین سرخسنامه می گویند تا
قوانین اسلام در باره زنان را تمام و کمال
به اجرا در آورد؟ چرا جمهوری اسلامی پیشتر

آنکه در استرداد اموال شاه بکوند در امر
قوانین به خانه فرستادن زنان تلاش می کند؟
چرا با اینهمه اعتراضاتی که ولی فقیه بعنوان
یک مجتهد داره ، در امور مربوط به زنان
انقلابی بخرج نسیه دهد و از همه حکم های
اسلام همین یکی را سرخسنامه چسبیده اندوررها
میکنند؟ اسلام می گوید عیس و زکات (مالیات)
به جو و گندم و میوه و خرما و شنبو ... چند
چیز دیگر تعلق می گیرد اما اسلام مسخرن!
انقلاب بخرج داده و بیجان فتنه هشت فتنه

چسبیده و امروز از گازوئیل و نگروما گاروسی
و موتور هم مالیات می گیرد... اسلام رسا را
بوقدا حرام کرده است! ما اسلام مدرن رسه آن
نام کاربرد داده و امرا همچنان به رحمت
می شناسد... اگر این کارها ممکن است بیس
چرا جمهوری اسلامی این انقلاب را در سواره
زنان بخرج می دهد و با جدلات بی درین خود
به روان اینچنین برای خود عقین تراشی می کند؟
این فلطما یک نسازی گینته خورانه سبت رسه
زمان رحمت... پس راستی چه دلیلایی در کار است؟

واضح است که جمهوری اسلامی عهد ندارد از
طریق اعمال فشار بر زنان ، سینه بندی کردن
آنان و بخانه فرستادن آنها را به زور به
سخت نفوسد و گمزی حوریا ن سفلی و ادوات دنیا
ناسین کند . به عامت فرستادن زنان و ادا
حافظت زنان به اطاعت قوانین اسلامی در شرایط
حاضر انسانی در جهت پاسخگویی به یک نیاز
واقعی سوزواری است و تلاش بنگر و سرخسنامه
جمهوری اسلامی در این زمینه ، بیسین خاطر
است . مذهب یا دیگر نمایان عدم تکراری خود
را به طبقه حاکم به نمایش گذاشته است .

واقصت اینست که سومایه داری در سراسر
جهان در بحرانی عمیق دست و پایی رند . یکی
از عوارض مهم بحران مکرر مایه داری اینست که
تولید و فعالیت در بخش بررگی از اقتصاد تا

پیروز باد جنبش مقاومت خلق کرد!

مرا رسانند محله شرایط بودآوری برای سرمایه ها متوقف و منطقی می شود و بناچار باید به سخن عظیمی از کارگران و زمینکنان و بطور کلی مردمگیران از محله کار و تولید بیرون رانده شوند. معتقد بود بگیزار باید فرسای منابع سرمایه شود. بنابراین بیکاری و اجوا حادی بی همی به تک پدیده عادی بدل می شود. این نه فقط در ایران بلکه امروز در سراسر جهان خوبی مشهود است.

اما از کار بیرون راندن مردمگیران یعنی تحصیل گرسنگی و فقر به بحث متناهیسی از افراد جامعه و نهایتا پاشن راندن سطح معیشت کارگران و زمینکنان خود منتهی می شود و در روی و سرمایه ناآشنایی در این میان **رسان** اولین هدفی است که مورد آوری همه - به عبارتی دیگر اگر افراد باشد هدفی از کارگران و زمینکنان از کار بیرون رانده شوند. مورد آوری همیشه بر طبق می دهد که این مسئله **رسان** باشد چرا؟

اولا به این دلیل که بنگار شهر رسانی برای میزان به منفعت اقتصادی منتهی برای خود آوری، فرسودگی، ریزش بودآوری از طرف خود مردم کزبان از احساس فعل و استعجال - آوارگی - در واقع آنها را به یکبارگی تحصیل می کند بلکه جلوس می شود کار می اجر و مزد و سرود و آسانی را باعث می شود. کار می که حاصل آن در نهایت معیشت سرمایه خواهد بود.

در جامعه سرمایه داری هیچ کس از جامعه ران را بنگار محاسبات نمی آورد. چرا که رسان در خانه بنگار معیشت نباید بتوان گفت گاری که مرها در خانه به آنها تحصیل شده است. ثبات فرسایش از تصدی سرمایه ای از ماملی رسمی است. بحث اعظم رسان در زمان کارگر و زمینکنان تشکیل می دهد و بحث اعظم کار آنها صرف نگهداری از شوهر و فرزندان، یعنی آسایش بکارگران کارگران امروز و فردا می شود. در خانه همیشه عدا همه می کند اما توهین و فرسودگی کارگر خود را همیشه در خانه گوشه

می بیند از همیشه لباس می بورد و می باند و وله می کند اما همیشه امراه خانواده را میندرد و زنده می بیند. دانشا رحت و لباس می نویسد اما لباس ها همیشه گشاید و رو می اندازد دانشا سان آرزو را افراد خانه را بسمار و نگهداری می کند اما همیشه آنها در خانه حسه و سی رمل و بسمار و تحفید هر روز تحریک می رود اما هرگز بشرفه جالی است... او هر روز و هر روز این کارها را ده ها کارها را دیگر را بکار می کند اما کوشی که اینکارها پائسان و حاصلی ندارد. آیا او این در خانه می گوید؟ **حیر**! نمر کار حسه کند و غلال آرد هر روز او سوان و سروری شوهر و فرزند زمینکنان می شود که هر روز سنگام کار بحول سرمایه دار می گردد.

سرمایه دار در واقع همیشه زنده است و کارگر را می بردارد و بر عود محصول کارگرین او را محصول می خود. این معناه بود سرمایه دار است. اما زنده ماندن کارگر خود مستلزم است که کارگر کالای و خدماتی را دریافت دارد. سرمایه دار نزد کارگر را در اصل قیمت این کالاها و خدمات ضروری را به **سرخ** بازار به کارگر پرداخت می کند. بلکه در اصل قیمت مواد اولیه آنها را می بپردازد و با زدن این امر می گذارد که در با حواجر و با نادر او در خانه این مواد را برای معیشت کارگر آماده خواهد کرد... کارگر به غذا است و بوسالت به نگهداری و گرم نگهداشتن خانه و رسیدگی به فرزندان و... ساز دارد اما کارفرما عملا قیمت غذا در سوزان قیمت بیوتاک در فرونگاه و قیمت مکن در سایر خانه و هتل و قیمت اجیر کردن پرسار کوهکنان و غیره را نمی پردازد. او قیمت خود و لوسیا و گوشت قیمت کرباس و پشم و قیمت آهنساره یک اساق خالی را پرداخت می کند. تبدیل خود و لوسیا به آبگرفت. پارچه و پشم به لوسیا. و تبدیل چهارده سواری به یک مسافرین و نگهداری فرزندان و... صد کارهایی است که **رسان** خانواده باید انجام دهد **آخیم**

بما برایین همانطور که گفتم از کارکنان ریان کارگر و رحمتکن برای بورژوازی پستی بیکار کردن آنها نیست بلکه طولانی تر کردن کاری می آید و مرد آن است و از جانب دیگر سمن مهدکودک ها، شیرخوارگاه ها، کوهکنستان ها، آسپرخانه ها و رستوران ها در محیط های کار گامی است در جهت شکست کار این سرمایه پس آجر و مزد! اینهاست آن منابع امتناعی که حمله به ریان را غیر مجاز می نماید برای بورژوازی مطلوبه تو می کند.

امروز در آمریکا هم دولت ریان اقدام به تعطیل مهدکودک ها، رستوران ها، تئاترها، گانه ها و ... در محیط های کارگروه است. اما در آنجا حروم های دیگر به این خاطر که این اقدامات گامی در جهت کنترل سطح معیشت کارگران و رحمتکنان است برداشته است. بواسطه بدبختی برای طبقات حاکم موممی بزرگ است. چه چیز دیگر می تواند ماضیت امتناعان جمهوری اسلامی بر علیه کارگران و رحمتکنان را ایس جسی رنگو کجا ببرد و از میده ها معنی دارد؟ شاید به این دلیل که حمله به ریان آسانتر است از حرف جمهوری کمونی را ایجاب می کند!

گفتم که محروم ما عس کارگران و رحمتکنان از معر معاشان خود مستلزم مبارزه با آسان است و گفتم که نظام سرمایه داری مزه را برای حفظ زندگی در حد سرمایه برتری می دهد. بما برایین بورژوازی حمله به کارگزاران و رحمتکنان را با حمله به ریان آغاز می کنید چرا که می تواند از معاشات و گرایش برتری طبقات پستی از آسان در خدمت پشیرد مبارزه نش بخشی استفاده کند. در واقع بورژوازی بسا هدف قراردادن ریان به منابع کل کارگزاران و رحمتکنان حمله می کند اما در عین حال بخشی

شده همه این کارها لازم و ضروری است اما در این میان برای زن مردمی در کار نیست. ری همه این کارها را باید همچون برده ای بسوزن آجر و مزد و پاداش به رایگان برای آسانان ناشناخته انجام دهد. مردمی که بکارگزاران پرداخت می شود خرج زندگی تجمی از قیمت بلکه خرج زندگی خانواده های کارگزاران، خانواده ای که همچون سایر خانواده ها، کار کردن رایگان و برده وار و شمشیری در آن از پیش نفروسی است! بیجهت با نظر است که نظام سرمایه داری، نظام بیوهه خانواده را تا آنجا که می تواند حفظ می کند و مرد را برای حفظ زندگی در حد سرمایه برتری می دهد.

در دوره رونق سرمایه داری سرمایه داران در ایران با کمبود نیروی کار مواجه نشده اند میل کارگران از بیلبیلی، کوه، پاکستان، افغانستان و شیخ حسین هاشمیان برای برادری شد علاوه بر این برای بیرون کشیدن ریان از خانه ها و اسفاده هرچه بیشتر از نیروی کار خانگی لازم شد که انجام بخشی از خدمات آنان در محیط های سازمان داده شود. آسپرخانه ها در کارگاه و کارخانه ها برای انعامات، رستوران ها در کارخانه های بزرگ شروع بکار کردند. مهدکودک ها و کوهکنستان ها در جوار کارخانه ها ساخته شد ... تا ریان به مدجه کسی به بازار کار زوی آورند ... اما امروز که گادی و رکود اقتصادی بر سایر جهان را فراگرفته است و نمیا در ایران چهار میلیون بیکار وجود دارد لازم است که همان روند متکونی شود. منطق سرمایه حکم می کند ریان به نفع برگردند! مهدکودک ها و کوهکنستان ها تعطیل نوسند! آسپرخانه ها و رستوران ها بیوجهه نوسند و طاقننان مجددا به ریان در خانه ها محول شود و سرمایه هائی که به این قبیل کارها احتیاجی داده شده بودند در خدمت نجات سرمایه داری و ورسیکی درآید

از جنبش انقلابی خلق کنسرد حمایت کنیم!

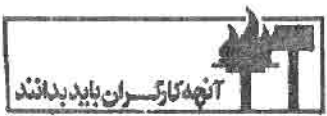
می گوئیم کارگران جهان متحد شوند! و در برابر جهان سوز و آوایی دارد در میان کارگران مغربه میانه دارد. این تنها مجلس جمهوری اسلامی نیست و بزگی جمهوری اسلامی اینست که تبلیغات و فعالیت های فکرا رگری خود را تحت پوشش تبلیغات و فعالیت های مذهبی قرار می دهد و از جهل و نادانی کارگران بسیی از اعصاب مذهبی استعاضه در خدمت اس هدف بوم خود بهره می گیرد. بزگی جمهوری اسلامی اینست که براسن سرمایه داران را برعکس البی میانه تا کاتی واکه از دشمنی با خدا می فرسند از صفه بارزه شری راضه شوند.

بما براین هر کارگر هر فردی که تمیض طلبه زمان را بپیمبرد و از اعتنا رسی که نظام سرمایه داری بخاطر حفظ منافع سرمایه به او اعطا کرده است در خدمت البیاه هرچه بیشتر زمان و تحصیل موقعیت سر به آمان استفاده کند به نفع سوز و آری و برود منافع کل طبقه کارگر فستعل می کند. هر اندازه هم که خود را در نور و سرفیقا و ما زمان مخفی و کیموسی آن بر طبقه سرمایه داری خنکد و شمار دهد بویا روه کند جمهوری در این واقعیت بعضی وقت کم او در چهره ای دیگر هدفست سوز و آری است. هاد نظری: «بجای معجزه با آواز دست چیدان»

کارگران باید بدانند که مخالف زمان مخالف آمان است. کارگران باید بدانند که بزگی زن در خانه و اجتماع - بزگی طبقه را متحد خواهد کرد و برادرم خواهد بخشید. کارگران باید بدانند که جمله به حقوق مسلم زنیان و اعیان حیضی طبقه آمان. خطه ای مستقیم به طبقه کارگراست. کارگران باید بدانند که دفاع از حقوق زنان و سوارزه طبقه تمیض بر اساس حسد متخففا مبارزه ای در جهت تقویت ارمن پرولناریا و لذا طبقه همه آمان است. کارگران باید بدانند که تبلیغات اسلامی که بر طبقه زمان عورت می گیرد تبلیغاتی از باعسی و در خدمت باعس منافع سرمایه و افدای در جهت سرکوب انقلاب است. کارگران. سوز و سردان بغیه در صفحه ۲۹

از همان کارگران و رهنمگان را به همدستان خود بدل می کند تا مثلا بر ضد منافع خودشان وارد عمل شوند و ما لا امل سر ضد او وارد عمل شوند! آن سرسری و بسیاری که سرمایه داری بخاطر حفظ منافع سرمایه به بردها اعطا کرده است فعالیت می یو. که ما انکا. سه آن کارگران بود را. سرسری زمان کارگر فرار دهد و ما لا امل حق الیکوسی می بود که کارگران مزد را وادار به یکوب در مقابل سورت با زمان می نمایند! سطحی که بر مد زمان و در جهت تحمیر آمان و شان را بر سرسری مرد عورت می کشد. در و ج حرکت هر چه بیشتر بردها به ارتفاع و شان را اعطاشی شان بر خدمت منافع سرمایه است. سطح بر سرسری مرد و فرودستی زن عیسی است. خدمت گان انداخته و بیچاره ای که باید همچنان بر روی رهایی از کلیه معاندان این نظام متعهد شوند.

سایه چسب سانس های مغربه انکسایه. در موارد دیگری هم ساعده می کشد. همگان بخاطر دارند که جمهوری اسلامی برای تحمیر شان مبارزه کارگران سکار جی فاحیست. کارگران امپراسی را همان کارگران خاورمیسی میانه برد و آنها را عامل سکاری و استیو شد! جمهوری اسلامی می دانست که خوشی و طبقه کارگر جهانی را. بعضی جوشی از لنگر دشمنان را با انکا. به بیروی بعضی دیگر از دشمنان خود به موقعی سدر سر سسرول دهد. این تنها مجلس جمهوری اسلامی نیست. تمام دولت های مدافع سرمایه از نفع. جهل و تخمین نوده ها بر خدمت منافع خود بهره می گیرند. هم اکنون در انکلسان سرمایه داران جی دارند کارگران انگلیسی را طبقه کارگران آسیائی اهدی ها. باکسانی ها. به صحیح کشد. در آمریکا سرمایه داران بعضی دارند کارگران معذب پوسی را. به انکا. سرسری هاشی که به طبقه پوسان اعطا شده است. در سر طبقه کارگران ساهبوس حرکت کشد. در آلمان دولت سسی دارد کارگران آلمانی را سر طبقه کارگران سرک حرکت در آورد. سنا



موج سهمگینی از اخراج‌های دسته‌جمعی کارگران در راه است

بحران سرمایه‌داری جهانی هر روز صحت بیشتری می‌یابد. ورشکستگی شرکت‌های بزرگ بین‌المللی یکی پس از دیگری، به پدیده‌های عادی تبدیل شده است. دورنمای توقف کامل صنایع اتومبیل‌سازی در آمریکا، انگلستان، فرانسه و همچنین ورشکستگی فزاینده انواع شرکت‌های فول پتکرها و پمپ‌های در سطح جهان غیر از وعده‌های هر چه بیشتر اوضاع اقتصادی در سراسر جهان می‌دهد. در این میان کارگران در همه کشورها نوح از عرصه تولید و کار میوز را شنیده می‌شوند و مصدق می‌شوند که بی‌گرمی می‌پوشند. عکس‌های تظاهرات پیشکاران و حرف‌های طویل آنان در مقابل دستگاه‌های گویایی و همواره در گفتمان‌های بین‌المللی چشم می‌خورد. عشق و وسعت بحران گونی‌گونی‌ها را بر مویط همه بحران سالهای ۱۹۳۰ را که ارکان نظام سرمایه‌داری را به لرزه در آورده بود پیش چشم بورژوازی جهانی زنده کرده است. وحشت بورژوازی از بازگشت آرزوها پیشین از مسابقات و گزارش‌های نشریات اقتصادی وابسته به امپریالیست‌ها مشهور است.

در ایران وضع وخیم‌تر از کل جهان است. رقم بیکاران از چیزی در حدود سه میلیون در سال ۵۰ ماز هم افزایش یافته. جنگ بسیاری از

صنایع را از کار انداخته، هزار سرمایه‌ها همچنان ادا شده و در صنایع اقبال صوما زیر ظرفیت خود کار می‌کنند. کمبود مصالح و مواد اولیه، بسیاری از صنایع را با تعطیلی و توقف کامل روبه‌رو کرده است. کارگران در ایران نیز با اشکال نوینی از اخراج‌های دسته‌جمعی ناشی از توقف تولید و تعطیل کارخانه‌ها مواجه شده‌اند. بجز در صنایع اتومبیل‌سازی، خطر بسته شدن کارخانه‌ها در آینده‌های نزدیک کاملاً محتمل و محسوس است. ایران ناسیونال، خاور، سایر دیکران همگی زیر ظرفیت و در واقع نیمه تعطیلند و بنظر می‌رسد چیزی از حیات آنها باقی نمانده باشد.

اما آنچه که در صنایع اتومبیل‌سازی ایران شاهد آن هستیم یعنی اخراج دسته‌جمعی ناشی از بسته شدن و تعطیلی کارخانه‌ها، تنها به صنایع اتومبیل‌سازی محدود نخواهد شد و به بخش‌های دیگر از صنایع سرایت خواهد کرد و کارگران بسیاری را قربانی اخراج‌های دسته‌جمعی خواهد ساخت. چرا که صنایع تنخواه‌وار به یکدیگر متصلند و بسیاری از صنایع ایران سرمایه‌داری فعالیت خود محتاج وسائل و لوازم و مصالحی هستند که باید از خارج وارد می‌شوند. در خاطر ارزی دولت رو به پایان است و آنطور که از گزارش نخست‌وزیر هنگام ارائه لایحه بودجه به مجلس بر می‌آید این دخالت برای تأمین مایحتاج حیاتی مردم نیز کاملاً نیست. بنابراین در برابر کمبود مصالح و مواد اولیه بسیاری از صنایع را بحال تعطیل در خواهد آورد.

از این گذشته بخش بزرگی از صنایع ایران دولتی شده است. ورشکستگی اقتصادی دولت و گسری بودجه و حشمت‌ان آن بدون شک ادامه فعالیت آن بخش از صنایع دولتی را که سود آور نیستند دچار اشکال خواهد کرد و دولت بشاید یک سرمایه‌دار بزرگ بناچار کارگران را قربانی ادامه حیات اقتصادی خود خواهد کرد.

پیش‌بسیوی ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری!

ساخت. علاوه بر بودجه امسال پیش‌بینی شده است که بخت‌بزرگی از درآمد دولت از طریق

افزایش مالیات بدست آید. افزایش نرخ مالیات‌ها هم بنوبه خود به سودآوری بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک و بزرگ لطمه خواهد زد و در بخش خصوصی هم شاهد تعطیلی‌های بی‌دریغ کارگاه‌ها و کارخانه‌ها به خاطر کاهش سود سرمایه‌داران خصوصی خواهیم بود.

مسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی خود علنا از مردم خواسته است که در سال جدید ریاضت بیشتری بکشند و سخت‌تر در تحمل کنند. آری امسال سال نفرو ولاکت بیشتر، سال توفیق بی‌دریغ تولید در بخش‌های مختلف، سال ورشکستگی‌های پنهان و سال بیگاری و اخراج‌های دسته جمعی کارگران محکوم شده کارخانه‌ها و توفیق تولید است.

البته در سال گذشته هم کارگران با اخراج‌های دسته جمعی مواجه بودند. همگان بخاطر دارند که لیست‌های هرچه و طولی از اساسی کارگران تهیه می‌شد و ناگهان نوحی از کارگران بیرون رانده می‌شدند. اما اخراج‌های سال گذشته در واقع اخراج‌های سیاسی بوده‌اند. در سال گذشته عدداً حاضر فعال سیاسی کارگران نامطلوب، یعنی مبارزان پیشروان رهبر ان، حقوق‌طلبان و بلوق رژیم ضد انقلابی، «صد انقلاب» از محیط کار اخراج می‌شدند. امی نوع اخراج‌های دسته جمعی کارگران فرصت‌مداد که برای نجات خود از بیگاری و بسیاری کارکشیدن از دم تیغ اخراج به معاهده کاری روی آورند. در مقابل اخراج یاران خود ساکت بنشینند و به هر فشار و حربه و تنبیهی تمکین کنند و در مقابل نقیض حقوق و مزایا و افزایش شدت و مشارکات مهرسنگوت بر لب می‌زنند تا شاید خود را نجات دهند. اما ویژگی روح نوبسی اخراج‌های دسته جمعی که نتیجه آن از راه رسیده است، این است که دیگر جنس فرعی را سبب گریزی دهد و ناگاه کارگران بسنگ

کارخانه را اعم از محافظه‌کاران و اطای انتشار انجمن اسلامی، از حد بدترین تا قدیمی‌ترین کارگران را یک کاسه به درهای میلوئی بیگاران پرتاب خواهد کرد. دیگر برای اخراج نیازی به پرونده سازی نیست تا هر کس برای نجات خود خودش را طرفدار رژیم جا بزند.

گوناخت ۲۷ از همان ابتدا کارگران شافل و بیگار را به اتحاد و مبارزه در مقابل بیگاری و اثرات تکثیر آن فرا هم خواندند و فریاد می‌زدند که کارگران قافل بدانید که بیگاری مشکل کسل طبقه است، بدانید که این شتری است که در خانه هر گداگان ممکن است بخوابد و محافظه کاری را کنار بگذارید و به مبارزه بیگاران که دستگیران و حسن‌نگران شما هستند بپیوندید. عملاً در گذشته حرکتی را از جانب کارگران شافل بطرفداری از مبارزات بیگاران شاهد نبودیم. مبارزه بیگاران در اصفهان، در خانه کارگر تهران، در وزارت کار، در ریود و اند پمشک، مبارزه کارگران بیگار غرض‌شهری در شهران...

کنه و همه برستی از بی تفاوتی و بی توجهی کارگران شافل اعلام کردیم. اگر امروز هم که هیچ بیگاری بر سر نوبه و بسیاری از کارگران شافل سایه انگه است و گفای از بهترین مسوی کارخانه‌ها و مراکز امیران در راه است. کارگران بخود نپایند و به چاره‌ای جدی نباید بنشینند، زیرا دیگر خیلی دیر خواهد بود.

کارگران باید بدانند که روح سه‌گونی از اخراج‌های دسته جمعی از راه خواهد رسید که برار از آن نظور انفرادی بهیچ وجه ممکن نیست کارگران باید دست بدست هم با آن روبرو شوند. کارگران باید بدانند که مقابله با این روح جدید اخراج جمیع وجه نمی‌تواند در چهارچوب دایره‌های معدود معاند. کارگران باید بدانند که برای نجات خود از این مهلکه باید اتحاد و محکم

با کسار انقلابیون و کمونیست‌ها رژیم
جمهوری اسلامی انقزام
امین‌المستهار از مخالفین نه‌ام می‌گیرند.

جایزه سراسری بافتن کارگران بهکار واه سازمان و آنان را از هم اکنون به شکل و اتحاد و تدارک چنین مبارزاتی نراخوانیم. مبارزه در چهارچوب ناپریک محدود نمی ماند اما تشکیل برای این مبارزه سراسری باید از تک تک ناپریک ها شروع شود. تلاش برای تشکیل ساختن کارگران ناپریک برای پیوستن به یک مبارزه سراسری پس از بسته شدن درهای کارخانه در خواسته بود. از هم اکنون دست بکار شویم.

توده کارگران را در شوراهای جماعتی تشکیل کنید و بهیروان آگاه را مطابق رهنمود های نشریه "طبقه بیگاری" تحت پلاخبریم "گمیت ایجاد اتحاد کارگری طبقه بیگاری" سازمان دهید تا توده کارگران ناپریک را بسوی یک مبارزه انقلابی سراسری بر طبقه بیگاری راهبر شوند.

طبقه از طبقه جدا بشناسیم

ایران باید بداند و بسازد که منقبت او در قدرت یافتنی پرولتاریاست.

یک برای تشکیل حزب کمونیست - بسازد و رزمه مبارزات طبقه کارگر بکوشید.

سابق رزمه برای پیوستن مبارزات طبقه کارگر در همه بخشهای مبارزه لازم است... جای حرب راهی سازمان میگری نمی تواند بگیرد... حرب لازم است! بدون حرب بدون حزب کمونیست طبقه کارگر ایران نباید هیچ امیدی به پیروزی داشته باشد.

کارگران و زمینکنان فرمان ایران! درالنگرد قیام حوسنی همین می باشد همین بسندیم نامم ضرر همین، پرشورواریم، فعال نراز همین. آگاه نرازیم راهمان و اما پیروزی نهائی ادامه دهیم!
پسروریا مبارز راه پرولتاریای انقلابی!
پرولتاریا جمهوری انقلابی کارگران و زمینکنان ایران!

و سراسری ما بین خود و سایر کارگران اسم از شامل و بیگار بوجود آورند. اگر چه پانشاری برای دریافت خسارت هر چه بیشتر از کارنمایان پلاخبریم لازم و ضروری است اما کارگران باید بدانند که این به تنهایی راه حل مناسب نخواهد بود. کارگران باید در اتحاد سراسری و با مبارزات سراسری و با تشکیل در اتحاد کارگری طبقه بیگاری بار تأمین مصیبت خود و خانواده هایشان را به سرمایه داران و دولتشان تحمیل نمایند. کارگران از مبارزه برای باز نگه داشتن شرکت ها و کارخانه های ورشکسته راه بجایی نخواهند برد. اصل کنترل کارگری بر باید در یک کارخانه خنفر سودی نخواهد بخشید. باید همه بیگاری برای طبقه کارگران بیگار از جیب دولت و سرمایه داران برداشته شود. و این مبارزه سراسری طبقه کارگران باشد. و بیگار را طلب می کند. دولت تلاش خواهد کرد که برای نجات سرمایه و سرمایه داران کارگران را قربانی کند و ما باید بگوئیم که برای نجات کارگران و خانواده های آنان و برای تسکین انقلاب، لگوی سرمایه داران و دولت حامی آنها را بشماریم.

اراه رسیدن روح نویسی بیگاری و احامها دسته جمعی بهتر از پیش بر این واقعیت صحت می گذارد که کارگران و زمینکنان ایران راهی جز ادامه انقلاب و بیگاری مبارزه انقلابی در پیش پای خود ندارند. ادامه انقلاب تا سرنگونی دولت سرمایه داری و استقرار جمهوری انقلابی دمکراتیک کارگران و زمینکنان ایران تنها راه رهایی از نلاکت و نکت و بردگی است که ادامه وضع موجود بیگارگران و زمینکنان ایران تحمیل می کند.

کارگران را از خطری که در راه است آگاه کنیم. آنان را به پی اثر بودن اقدامات محدود و موضعی در چهارچوب ناپریک و مبارزه منفی و همچنین به چاره ناپذیر بودن بهادارش بسک

پیش بسوی تشکیل شوراهای واقعی!

دفعه از صفحه ۳۰ برای صفحات ۳۰۰

در سر مقاله شماره ۱ تأکید کردیم که این نشریه سعی دارد راهنمای عمل و ابزار کار کارگران گفتمانیست و پیشرو باشد. بنابراین پاسخ به پرسش‌ها و نامه‌های خوانندگان علاوه بر رفع ابهامات اشخاص به انجام وظیفه نشریه نیز بطور مستمر کمک می‌کند.

ما از همه خوانندگان می‌خواهیم که بعنوان یک وظیفه همیشگی برای "کارگر گفتمانیست" نامه بنویسند و بخصوص مسأله خود در رابطه با نشریه را حتی به اطلاع ما برسانند چرا که این مسأله و ابهامات می‌تواند مسأله و ابهامات تعداد زیادتری از خوانندگان این نشریه باشد. حتی از رنگای خلیج و مروج خود می‌خواهیم که ما را از مسأله‌ای که در حوزه فعالیتشان برای کارگران در رابطه با مطالب نشریه پیش آمده است و آنها خود توانستند به آنها پاسخ دهند نیز ما را مطلع سازند تا در سطح وسیعتر از پاسخ‌های آنها بهره‌گوریم.

۳- صفحه "کارگران باید بدانند"

خلیجین و مروجین در سر آنگاه کردن بوده کارگران و حلقب آنان به آغاز شوخی و تانگیک‌های مبارزاتی گفتمانی بکرات با مسأله‌های مواجه می‌شوند که علیرغم ساده‌گی‌شان برای اکثریت کارگران مبهم و حل نشده باقی ماندند. آنان بکرات شاهد بوده‌اند که بعضی از اشتباهات و کج فهمی‌ها در میان کارگران یک ایستگاه است. این کج فهمی‌های عموماً می‌تواند بظاهر کم‌گاری خود ما و ما در اثر تبلیغات بورژوازی بوجود آمده باشند. بعنوان مثال "کارگران عموماً تصور می‌کنند که با پایان یافتن جنگ ایران و عراق فلاکت و وضع نامساعد اقتصادی آنها هم پایان خواهد یافت... و ما "کارگران عموماً

سر این طبقه‌مانند که اگر کودتا بشود و یا هسبر رژیم دیگری بر سر کار بیاید هر چه باشد باز بیشتر از جمهوری اسلامی است" و ما "کارگران عموماً دوران رونق سرمایه‌داری را بحساب حکومت شاه می‌نگارند" و... در صفحه "کارگران باید بدانند" ما سعی می‌کنیم بر اساس گزارشی‌های رنگای خلیج و مروج، این مسأله را بر شطرنج اهمیت پاسخگویی به این ابهامات عموماً رنگاشان در هم و خود پاسخ مناسب به آنها ارائه کنیم. در واقع این صفحه از نشریه ما صفحه مخصوص خلیجین و مروجین بوده است. آنها در این صفحه بکدیگر را از اهمیت شکستن مسأله‌های خاص برای کارگران آگاه می‌کنند و خود بیکدیگر بهترین شیوه‌های انجام کار را هم می‌آموزند.

امید داریم این صفحه با همکاری فعال رنگاشان و خلیج و مروج بتواند در حیطت دادن به تبلیغات خود وای و سراسری و همچنین به آموزش مروجین و خلیجین گفتمانی باری رساند.

۴- صفحه "توضیح بر نامه"

جذب کارگران پیشرو و مبارز به زیر پرچم برنامه گفتمانی‌ها وظیفه رنگاشان است. کارگران گفتمانیست است. انجام این کار مستلزم کار توضیحی است که باید دائماً در رابطه با کارگران جدید، تکرار شود. برای انتخاب از تکرار این کار توضیحی لازم است که توضیح برنامه یعنی جزوای که بنیان ساده و آسان از بند بند برنامه ما درآید را منتشر کنیم تا هسته‌ها و طبعین ما بر اساس و وسیله آن بتوانند به آسانترین شکل برنامه را به کارگران پیشرو تبیین کنند. استفسارات و ابهامات آنان را پاسخ دهند و تک تک آنان را به طبعین برنامه گفتمانی‌ها تبدیل نمایند. برای تدوین چنین جزوای کار بسیار لازم است. ما قصد داریم

مرکز بر سرمایه و امپریالیسم!

را به تصویب رساندند می خواهیم که نماند در توضیح برنامه برای کارگران بکشند .

نشریه کارگر کمونیست هر ابتدای راه است و مخصوص در ابتدا نیاز به همکاری فعال همه طرفداران خود دارد . برای نشریه کارگر کمونیست بنویسید و آنرا در انجام وظایفش باری کنید . ما از هرگونه پیشنهادی که امر همکاری خوانندگان با نشریه را تسهیل نماید با اشتیاق استقبال خواهیم کرد .

ه. ت.

بچه از صفحه ۳۳ مقاله ...

کارگر باید بداند که مسایدهای وجه درونی که دشمنان کارگران گستاخیده اند پیشند و به همه شان آسان در محمول محرومیت وسی طوفی به زبان نخیل شوند . کارگران مسلحان باید بدانند که کوشش آنان در جهت اجرای فواید اسلام دهها زبان . کوشش مستقیم در جهت حفظ مساعیر برنامه و معیارهای بر طبقه طبقات کارگران است . کارگران باید بدانند که کوشش کارگران مسلحان و مصعب در اجرای فواید اسلامی ، یعنی همکاری آنان در مخالفت با مساعیر خودشان بخاطر تاثیر امسوسی است که دشمنان ما بر طبقه ما بیکبار می بردند و همان حدیث که مردم برابر هر کس همان فواید مساعیر کار بر مصلحت های سیاسی و مکتوسی ارجاسب است تا همه همه ما باید فواید مساعیر خود را در دولت بناییم .

پروولناریای کمونیست فواید مساعیر سوسیالیستی در دوران است . پروولناریای کمونیست فواید مساعیر رفیع هرگونه مکتوسی و غیر طبیعی . مکتوسی مذهبی و مکتوسی است . پروولناریای کمونیست فواید مساعیر خود را در دولت است . پروولناریای کمونیست بر چه اساسی بر مکتوسی و مکتوسی کامل بر مکتوسی است و کارگران باید همه استیضاح را بدانند .

از طریق نشریه این کار را انجام دهیم . بهین خاطر یک صفحه دائمی در نشریه ما عنوان "توضیح برنامه" ایجاد می کنیم و در هر شماره بندی از برنامه را به روشنی به زبان ساده و طاقه تبیین شرح می کنیم و مجموعه این مقالات را که با نقد خوانندگان تصویب و کامل شده اند ، بصورت جزوه ای منتشر خواهیم کرد .

از کلیه ملتین و مدافعان اصول برنامه ام. ک. م. را همراه دعوت می کنیم که برای این صفحه نشریه مقاله بنویسند . همانطور که گفتیم مخاطب این مقالات کارگران پیشرو و مبارز هستند که باید به صف مبارزان تعلق برنامه کمونیست را بیوندند . این مقالات باید به زبان ساده و آسان نوشته شود و حتی المقدور همه جوانب مساله را باز کند و توضیح بدهند و علاوه بر افکار همه خواننده به ما بوزیر که چگونه در مقابل حملاتی که ممکن است به آن بندهای از برنامه بشود از آن دفاع کنند . در واقع این جزوات به زبان ساده باید هم نقش کتاب درسی و هم نقش راهنمای تصدیق را ایفا کنند .

چرا کارگران باید از حق طلب در تعیین سرنوشتشان بدین قید و شرط حمایت کنند ؟ اگر مردم خوزستان بخواهند که از ایران جدا شوند کارگران چه موضعی خواهند داشت ؟ چرا ما خواهان آزادی بدین قید و شرط تعالیست سیاسی هستیم ؟ چرا مذهب باید از دولت و آموزش و پرورش جدا شود ؟ چرا کارگران به حسرت نیازندند ؟ چرا شعار ما نان و آزادی و جمهوری انقلابی است ؟ چرا موسیقاییم تنها راه رهایی کارگران است ؟ چرا دیکتاتوری پرولتاریا لازم است ؟ چرا ما خواهان بر چه شدن ارتش حرفه ای و جدا از مردم ؟ چرا شعار تسلیح عمومی مردم را می دهیم اینها و دهها مساله دیگر در برنامه ما وضوح مطالبی است که باید در صفحه "توضیح برنامه" به زبان ساده برای کارگران و برای تسهیل کار هسته ها و ملتین کمونیست نوشته و منتشر شوند .

از همه مدافعان برنامه ام. ک. م. و پیروان وابستگان تشکیلاتی که با رأی خود این برنامه

برای صفحات دانشی کارگر کمونیست بنویسید

بگوئیم تا انهم برقراری پیوند بین جنبش کارگری و انقلابی ایران و جنبش انقلابی خلق کرد را نشان دهیم و به کارگران کمونیست و تشکلات منطقه‌ای آنها باری کنیم تا با استفاده از مطالبی مندرج در این صفحه توجه خود را بکارگران را به کردستان انقلابی و اهمیت و جایگاه آن در انقلاب حاضر جلب نمایند و آسارا برای احیای و تقویت آن که در حال جنبش انقلابی در کردستان پدید آمده دارند حرکت در می آورند.

عمرانی هر چه بیشتر جنبش انقلابی خلق کرد در گنبد و جوشش به کارگران و زحمتکشان ایران بخصوص در شرایط کنونی اهمیت ویژه‌ای خواهد یافت. اطلاع آنها از مصلحت و دستاوردهای این جنبش روحی تازه در کالبد مبارزات آنها خواهد داد و آنان را به آینده امیدوارتر خواهد ساخت. در صفحه کردستان تخاصم خواهیم کرد که به کارگران و زحمتکشان ایران قدرت واقعی برآوردان و خواهران گردشان و دستاوردهای آنان را در زمینه‌های مختلف او همچنین قابلیت‌ها و توانایی‌های رهبران کمونیست و انقلابی آنها را بشناسانیم و آنان را به سرعت اتحاد و مبارزه مشترکشان برای استقرار جمهوری انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران آگاه سازیم.

۳- صفحه پاسخ به نامه‌ها

بقیه در صفحه ۲۸

طبقه کارگر
تعبیه نیروی خود آزاد میشود

بمطابق نظام پیشنهاد به مطالبات نشریه و همچنین تسهیل مشارکت خوانندگان فعال نشریه در امر نگارش آن تصمیم گرفتیم صفحات و ستونهای ویژه‌ای را در نشریه‌مان امتیاز کنیم. در انتخاب مطالبی که نسبت به جنبش‌ها موضوع بحث و گفتگو نشریه ما خواهند بود تصمیم بدو شده و هر کدام در صفحه مربوط به خود تحت عناوین کلی قرار می‌گیرند. تقریباً کلیه نشریات و روزنامه‌های حرفه‌ای این شماره را بنگار می‌برند و ما هم از این سنت روزنامه نگاری تبعیت میکنیم. با ادامه کار نشریه بی‌شک تعداد این ستونها و صفحات نیز ویژه افزوده خواهد شد. اما صفحات و ستونها که هموطنان هم اکنون در نشریه ما مسکونی بنظر می‌رسند و سعی می‌کنیم طی این شماره و شماره‌های آینده همه آنها را بطور دائم داشت باشیم هایتند از:

۱- صفحه مخصوص کردستان

انقلاب در کردستان بدون وقفه ادامه یافته است و جنبش انقلابی زحمتکشان کردستان در انقلاب ایران جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. اطلاع سایرین کارگران و زحمتکشان ایران از اهمیت که در کردستان می‌گذرد و آگاه کردن آنها از اهمیت جنبش انقلابی زحمتکشان کردستان و وطنه واقعی ما است. صفحه "کردستان" در نشریه کارگر کمونیست این بخش از وظائف نشریه را پدید می‌گیرد. در این صفحه سعی خواهیم کرد اخبار موفق مربوط به جنبش انقلابی خلق کرد را بویژه با اتکا به خبرنگارهای سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومه) به اطلاع خوانندگان خود برسانیم و همچنین

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!